

دوران پادشاهی شاهنشاهی عالیقدر در داخل کشور مشکلات اجتماعی اقتصادی و در خارج مشکلات سیاسی بین المللی ما بر طرف میگردید همه حوزة زمینه توسعه و ترقی فراهم گردیده است و این موقعیت های چشمگیر و منافع عظیم مالی، ما را در وضع خاص قرار داده است (آفرین) و از این نظر است که سازمان کشورهای بزرگ خارجی و دانشمندان، آبندهائی درخشان برای ما پیش بینی میکنند (صحیح است) پیش امروز ما با آغوش باز در ساحت مقدس مجلس شورای ملی بحث در باره این سند مالی، اقتصادی و اجتماعی را شروع مینمائیم و آماری که امروز ارائه خواهد شد آمار است مستدل با از منابع داخلی است و با از منابع بین المللی و مطالبی که در این مورد بعرض خواهیم رساند سه قسمت خواهد بود که قسمت اول راجع به بودجه، قسمت دوم راجع به نطق جناب آقای نخست وزیر در مجلس شورای ملی هنگام تقدیم بودجه سال ۴۸ و قسمت سوم مربوط به مشکلات کلی است که اجراء بودجه کم و بیش با آن دربروست.

اگر نظری به خلاصه بودجه پیشنهادی سال ۳۸ کل کشور یعنی ده سال پیش از این بنمائید، جمع کل درآمد در آن سال بالغ بر ۶۴/۷۵۸/۷۵۵/۰۰۰ ریال بود که از این مبلغ کمک مردم بدرآمد دولت بالغ بر حدود ۳۰ بیلیون ریال بود. در حالیکه شما در بودجه سال ۴۸ بصورت مالیاتهای مستقیم و غیر مستقیم از ملت ایران مبلغی حدود ۶۱ بیلیون ریال دریافت مینمائید. این مبلغ بیش از دو مقابل پرداختی ملت ایران در آن سال است (صحیح است) و بطور معدل از آن سال تا بحال سالیانه دولت ۱۰٪ از درآمد ملت ایران بیشتر برداشت نموده است بنابراین امروز اگر سئوالاتی در مورد بودجه کشور میشود و جواب این سئوالات قدری ناراحت کننده است باید من و سایرین را معذور بدارید و بدانید که ملت ایران در مقابل پرداخت مالیات امروز خود حداقل دو مقابل از نخست وزیر بود و دولتش بیشتر از آن روز توقع دارد (صحیح است).

جناب آقای نخست وزیر در همان سال یعنی سال ۳۸ شما جمعاً ۱۳/۷۵۰ بیلیون ریال برای سازمان برنامه و شرکتهای تابعه آن برداشت نموده اید در حالیکه امروز

برای برنامه خود ۹۷/۵۸۸ بیلیون ریال یعنی بیش از ۷ مرتبه برداشت مینمائید. بنابراین بدانید که ملت ایران توقع دارد که دولت دست کم هفت مرتبه بیشتر از ده سال پیش از این با احتیاجات امروز و وسعادت فردایش توجه داشته باشد. بنابراین خدمتگزاران نباید تعجب کنند برای اینکه ملت ایران چون بیشتر میبرد از انتظارش هم بیشتر است و دلش میخواهد توجه بیشتری بوضع امروز و آبندهاش بشود (صحیح است) در سخنرانیهای اخیر جناب آقای نخست وزیر راجع به تعادلهای اقتصادی و بودجه ای از قبیل تعادل در امر هواپرازی، پرداختها و احتیاجات وارداتی کشور و غیره صحبت کردند. بطور خیلی اختصار باید گفت که اصولاً تعادل در اقتصاد به تساوی نسبتها از نظر هم آهنگی عناصر و عوامل اقتصادی تعبیر میشود. نظریه تعادل در اولین وهله توسط علماء کلاسیک در قرن ۱۹ بیان شد که چون آنها پیوسته در اقتصاد اشتغال کامل را در نظر می گرفتند و این موضوع با واقعیت امر وفق نمیداد، لذا نظریه تعادل کلاسیک مفهومی نداشت و مقصدین امروز نظریه تعادل کلاسیک ها را یک نظریه مردود میدانند و امروزه در قرن ما نظریه تعادل اقتصادی با استفاده از روشهای تحقیق استقرای و قیاس به مفهوم تعادل نسبتهای اقتصادی جنبه واقعیت داده است و در بیان نظریه تعادل با استفاده از روشهای مختلف که برای اندازه گرفتن عوامل اقتصاد بکار برده میشود دقیقاً بر آورد و محاسبه میشوند باین دلیل است که بررسی تعادل اقتصادی بر اساس محاسبه و بر آورد درآمد ملی و ماخذ تشکیل دهنده آن صورت میگیرد.

راجع به تعادل بودجه یعنی تعادل دخل و خرج دولت هم باید گفت که اصولاً مخارج دولت که با صورت مخارج مصرف و یا مخارج سرمایه گذاری است پس از جمع شدن با مخارج اقتصاد خصوصی مخارج کل اقتصاد را بوجود میآورد که در مقابل آن محصول ملی قرار دارد و از مقایسه محصول ملی و مخارج کل تعادل اقتصادی تعیین میشود ولی از آنجائیکه ادارای آمار دقیق مخصوصاً در مورد بخش خصوصی و محصولات کشاورزی نیستیم بنابراین محاسبه محصول ملی ما تقریبی است و هر چند که ارقام مخارج کل دقیق باشد نمیتوان واقعاً صحیحاً

از تعادل چه در سطح کلی اقتصاد چه در سطح بودجه ای کرد بنابراین من انواع تعادلهائی که جناب نخست وزیر در سخنرانیهای خود ذکر فرمودند تا آنجا که فقط منظور خود ایشان بوده است یعنی نشان دادن یک حدودی از تعادل آنها فقط در مورد افلامی که ذکر فرمودند یعنی ترازی پرداختها و احتیاجات وارداتی، با بین هزینه های اداره و هزینه های عمرانی، یا تعداد اشخاص که برای فعالیتهای اقتصادی باید آماده شوند و ظرفیت آموزش را کم و بیش قبول داریم والا همانطور که عرض شد از قبول تعادل در سطح اقتصاد بعلت نداشتن آمار و روشهای اندازه گیری صحیح و در سطح بودجه بشرحیکه معروف افتاد معذورم. بنابراین منظوری که ایشان داشتند از نظر بیان تعادلهایشان از نظر خودشان صحیح بود ولی وقتی ما آنها را در یک سطح تعادل اقتصادی و تعادل بودجه به نحوه علمی بررسی میکنیم میتوانیم بگوئیم که تعادلهای ایشان بدلائیل فوق الذکر مورد قبول علماء اقتصاد نیست. (عدهای از نمایندگان - صحیح است - احسنت).

مضافاً اینکه اصولاً امروز بودجه نو سان آن اهمیتی را که در گذشته به تعادل بودجه میدادند ننمیدهند بیک وقتی بود اگر یک نخست وزیر یک بودجه ای را به مجلس میآورد بودجه اش متعادل نبود آن نخست وزیر سرافکنده بود ولی امروز اینطور نیست بنده باید خدمتتان عرض کنم که تعداد زیادی از بودجه هائی غیر متعادل امروز متعادل تر از بعضی بودجه های متعادل امروز است بهمین دلیل است که در بسیاری از ممالک توسعه یافته با اینکه واقعاً نمیتوانسته اند بودجه ها را بصورت متعادل در بعضی مواقع تقدیم کنند و مجلس هایشان بکنند معذک آنها را بصورت غیر متعادل تقدیم میکنند. روزیکشنبه ۱۳ بهمن بودجه کل کشور توسط جناب آقای نخست وزیر تقدیم ساحت مقدس مجلس شورای ملی شد، بودجه کل کشور در سال ۴۸ بالغ بر ۳۳ میلیارد ریال بودجه جاری ۱۱۲/۷ میلیارد ریال تنظیم گردیده است، افزایش بودجه جاری ۴۸ نسبت سال جاری در حدود یازده درصد است، برای اجرای هدفهای برنامه چهارم عمرانی سال ۴۸ بالغ بر ۹۷۶ میلیارد ریال در نظر گرفته شده است که از این مبلغ ۸۷ میلیارد ریال مربوط

به پرداخت های عمرانی است که در قانون برنامه عمرانی کشور بمصوب رسیده است و ۱۱/۵ درصد نسبت به رقم مشابه سال ۴۷ افزایش نشان میدهد.

جناب آقای نخست وزیر در نطق خودشان مطالبی فرمودند که فوق العاده حائز اهمیت است و از این نظر اینجناب از نظر اقتصادی مطالب را بیک بیک موشکافی کرده و تا حد امکان نظر حزب مردم را بعرض حضار محترم و هیئت غایب دولت خواهیم رساند (احسنت).

جناب آقای نخست وزیر در بدو فرمایشاتشان از سالیکه برای بسیاری از کشورهای با بحرانهای سیاسی و نظامی گذشت و همچنین ناراحتیهای اقتصادی که در اثر وضع طلا دوبار دنیارامتنسج ساختن یاد فرمودند. در این باره ما مطمئناً تمام آقایان نمایندگان از بحرانهای سیاسی، نظامی و وضع بدطلا نیز ناراحتند و در این باره ما جناب عالی کاملاً همه مدردیم. شکر خدا را که امروز کشور ما دارای آن چنان رهبر هوشیار، دوراندیش و با شهامتی است که توانسته است کشور گهنسال ما را از ناراحتیهای سیاسی و نظامی برکنار دارد و آنچنان محیط آرامی بوجود آورد که تمام رهبران جهان تعجب نمایند (صحیح است - احسنت).

اجازه بدهید بنده از فرصت استفاده کرده خدمتات شاهنشاه عالیقدر را در این مورد بخصوص بازگو کنم و اینجا با صدای بلند از طرف اعضای حزب مردم و ملت نجیب ایران از شاهنشاهی چنین عالیقدر سپاسگزاری کنم (صحیح است) دوراندیشی ایشان و اقدامات ایشان باعث شده که مادر این ملک واقفانه بحران سیاسی و نه بحرطن نظامی و حتی میخواهم بگویم نه بحران مالی داشته باشیم (صحیح است) جناب آقای نخست وزیر در باره برنامه جهانی دهه توسعه سازمان ملل فرمودند از هشت سال پیش که امید های بسیاری در مردم کشور های در حال توسعه برانگیخته بود، سال گذشته این حقیقت را نشان داد که رسیدن به هدف رشد سالانه ۵٪ در سال ۱۹۷۰ دیگر برای اکثریت قریب با اتفاق آنان امکان پذیر نخواهد بود و در بیشتر این کشورها در حدود ۳٪ در سال بود که افزایش

۲ الی ۱/۳ جمعیت در بسیاری از موارد اثرات محدود آنرا خنثی کرد بدینترتیب با آنکه کشورهای صنعتی و پیشرفته جهان خود با مشکلات و بحرانهای تازه روبرو بودند شکاف موجود بین آنها و کشورهای در حال رشد بیشتر شده و در این باره باید دو موضوع عرض کنم:

اولاً: طبق آمار داده شده در صفحه ۳۲ گزارش سالیانه بانک بین المللی ۱۹۶۸ رشد خالص اقتصادی (In Real terms) جمعاً از سال ۱۹۵۰ تا ۱۹۶۶ و همچنین درآمد سرانه در کشورهای صنعتی و کشورهای در حال توسعه بدینقدر بوده است: رشد خالص اقتصادی سالیانه ممالک صنعتی ۴/۴ درصد و رشد خالص درآمد سرانه آنها ۳/۳٪ بوده است. از طرفی رشد خالص اقتصادی سالیانه ممالک در حال توسعه ۴/۷ درصد و رشد خالص درآمد سرانه آنها ۲/۳ درصد بوده است. بنابراین بطوریکه ملاحظه میشود در رشد اقتصادی در ممالک کم توسعه یافته ۳/۳ درصد بیشتر از ممالک توسعه یافته بوده ولی شکاف بین این دو بعلافت تقریباً دو مقابل بودن رشد جمعیت کشورهای عقب افتاده نسبت بکشورهای توسعه یافته بوده است. مخصوصاً باید یادآور شوم که رشد جمعیت در خاورمیانه بین ۱۹۵۰ و ۱۹۶۶-۱/۳ بوده که از تمام نقاط دیگر دنیا بیشتر بوده است (صفحه ۴۷ گزارش ۱۹۶۸ بانک بین المللی). از این لحاظ است که ما باید بر رشد جمعیت در ایران توجه داشته باشیم. ثانیاً: در ششمین جلسه این گروه براساس تئیسر گن که تشکیل شد، تعداد قابل ملاحظه ای از همین کشور های کم توسعه یافته رشد قابل ملاحظه ای بین سالهای ۱۹۶۰ و ۱۹۷۵ داشتند و هم اینکه کم و بیش این رشد را در دهه بعدی خواهند داشت. این کشورها عبارتند از کره جنوبی، چین آزاد (تایوان) و تایلند و بین کورهائی هستند که مطالعات سازمان ملل درباره آنها تمام شده است.

طبق مطالعات آقای تنبر گن و گروهش کره جنوبی بین ۱۹۵۶-۶۵ رشدی معادل ۵/۹ درصد داشته است و بین ۱۹۶۱-۶۶ رشد اقتصادیش معادل ۸/۵ درصد بوده و در سال ۱۹۶۶ به ۱۳/۸ درصد رسیده است پس ابعاد در این کشور معادل ۲۰٪ محصول ناخالص ملی حساب گردیده است و بین ۱۹۵۶-۶۶ سالیانه بطور متوسط صادرات این کشور ۲۶٪ افزوده شده است. باین اضافه کنیم که در برنامه

عمرانی دوم کره جنوبی رشدی معادل ۲۶٪ در نظر گرفته بودند که گروه سرپرستی تنبر گن آن را به ۸ درصد تقلیل داد.

در کشور چین آزاد رشد اقتصادی از ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۵ نیز سالیانه معادل ده درصد در سال بوده است. علت این رشد سرمایه گذاری خارجی و داخلی نسبتاً زیاد و پس انداز حدود ۳۰٪ درآمد ملی بوده است و بعلافت کمبود مهارت بین کارگران و کارفرمایان رشد آنی ۷ و ۸ درصد برآورد شده است. صادرات این کشور طی ۱۳ سال اخیر از رشدی معادل ۱۳٪ در سال برخوردار بوده است.

کشور تایلند که آخرین کشور مورد مطالعه گروه بود در سالهای بین ۱۹۵۷ تا ۱۹۶۵ ۷/۳ درصد رشد اقتصادی داشته و این رشد در سال ۱۹۶۶ به ۱۱ درصد رسیده است. عامل اصلی این رشد وضع خوب صادرات و در نتیجه وضع مساعد ارزی و پس انداز و سرمایه گذاری قابل ملاحظه بوده است. بنابراین ملاحظه میفرمائید که تعدادی ممالک کم توسعه یافته وجود دارند که حتی بدون داشتن درآمد یک میلیارد دلاری از نفت یک چنین موفقیتهایی بدست آورده و یا بدست خواهند آورد و دارای یک چنین رشد اقتصادی باشند.

درباره رشد اقتصادی ۱۲٪ کشور عزیز ما باید عرض کنم که تمام ملت ایران درخور سندی نخست وزیرشان شریکند، ولی در این باره باید از خداوند مهربان جهت ارزانی داشتن یک سال خوب کشاورزی و از رهبر عالم فقیدر خود که در هموار نمودن راههای سیاسی و اقتصادی جهت رسیدن با اضافه درآمد حاصل از نفت از هیچ گونه فداکاری خودداری نکردند تشکر نمود (صحیح است). از آنجائی که اعضا، حزب مردم پیوسته فعالیت خدمتگزاران را هر قدر که باشد نادیده نمیگیرند اجازه میخواهم بنمایند کمی از آنها نسبت با اضافه صادرات و اضافه تولیدات محصولات صنعتی و تاثیرات آن در درآمد ملی هر قدر که ناچیز باشد از رئیس دولت و همکاران محترم تشکر نمایم (صحیح است).

اجازه بدهید کمی در مورد ثبات نسبی قیمتها در حدود ۱/۵ درصد صحبت کنیم. این مطلب تا حدودی باعث خوشحالی است. اگر ما این ثبات نسبی قیمتها را از اضافه تولید

محصولات صنعتی و اضافه تولید محصولات کشاورزی بدست آورده بودیم فوق العاده جالب بود ولی وقتیکه به ارقام وارداتی کشور ذخیره ارزی آن نگاه میکنم ارزش این ثبات نسبی قیمتها تا حدود زیادی پائین میآید و ما را از ادامه وضع و تورم در آتیه میترساند. (دکتر یزدان پناه - بصورت مطلق نمیتواند بوجود بیورد و همیشه باین کیفیت نیست) بصورت مطلق همانطوری که میدانید نمیشود واردات کشور از سال ۱۳۳۵ که مبلغ ۲۶۲۰۲ میلیون ریال بوده است در سال ۱۳۴۶ بر رقم ۹۰۴۵۱ میلیون ریال رسیده است. اضافه واردات در این مدت ۱۱ سال بطور معدل سالیانه بالغ بر ۵۸۴۰/۸ میلیون ریال شده است. در حالیکه در این مدت یعنی از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۶ صادرات بدون نفت مافقط از ۷۹۳۱ میلیون ریال به ۱۳۶۳۳ میلیون ریال رسیده است یعنی بطور معدل سالیانه فقط ۵۱۸ میلیون ریال بالا رفته است. بنابراین مدت فشاری که از سال ۳۵ تا ۴۶ روی وضع ارزی ما از نظر واردات و صادرات کشور بدون نفت آمده است بطور معدل سالیانه ۵۳۲۲۸ میلیون ریال بوده است. حتی کشورهای منطقه ای هم پارسال با کستان ۳ میلیون دلار و ترکیه ۲ میلیون دلار جنس بفروختند و ما فقط ۱۰۰ هزار دلار جنس بیا کستان فرستادیم متأسفانه تخمینی که برای سال ۴۷ و ۴۸ از واردات و صادرات زده میشود وضع را بهتر نشان نمیدهد (بکنفرانز نمایندگان - آفرین). مثلاً بطوریکه میتوان تخمین زد واردات کشور تا پایان سال ۴۷-۱۰۳۹۰۰ میلیون ریال و صادرات بدون نفت آن ۱۴۵۰۰ میلیون ریال است، بنابراین اگر شما اضافه صادراتی معادل ۸۶۷ میلیون ریال خواهید داشت از طرفی اضافه وارداتی معادل ۱۳۴۴۹ میلیون ریال و کسری ارزی (تفاوت بین اضافه واردات و اضافه صادرات) معادل ۱۲۵۸۲ میلیون ریال خواهد داشت (صحیح است) که بین سالهای ۴۵ و ۴۶ کسری ارزی شما ۱۳۹۸۹ میلیون ریال بوده و احتمال می رود کسری ارزی شما در پایان سال ۴۷-۱۲۵۸۲ میلیون ریال شود و در نتیجه شما معادل ۱۴۰۷ میلیون ریال از آن بکاهد ولی مع الوصف باید یک حمایت و خط مشی صحیح واردات صادراتی برای کشور اتخاذ فرمائید. اگر این کار را نکنید من مجبورم با آقای (برگستورم Bergstorm) اکنون مترجم من مرکز

تحقیقاتی منطقه آسیائی سازمان ملل که مأمور بررسی وضع و رشد اقتصادی ایران برای ده سال آتی شده بودم فکرتشوم. ایشان عقیده دارند که در صورتیکه رشد اقتصادی مداوم ۷ درصد در دهه آتی در نظر گرفته شود تفاوت بین پس انداز و کسری ارزی (البته وضع واردات و صادرات ما را در نظر میگیرند) در سال ۱۳۵۱ در حدود ۱۰۰۰ میلیون دلار میشود و بتدریج در سالهای بعد این تفاوت زیادتر میشود تازه باز پرداخت وامهای خارجی در محاسبه آقای (برگستورم Bergstorm) منظور نگردیده باین حال بنظر نامبرده حفظ ۷ درصد رشد مداوم درآمد ناخالص ملی مشکل میشود (دکتر یزدان پناه - فرمودند تفاوت بین چی؟) عرض کردم تفاوت بین پس انداز و کسری ارزی من خطر رابک طور دیگر هم میبینم که در اثر پیدا کردن کسری ارزی ما مجبور به قرض کردن بیش از پیش شویم و تازه اگر پس انداز کافی هم داشته باشیم نظر به کمبود ارز آنطوریکه باید و شاید سرمایه گذاری نتوانیم بکنیم مخصوصاً که نوع سرمایه گذاریهای ما صنایع سنگین است و در سرمایه گذاری صنایع سنگین ما احتیاج مبرمی بارز خارجی داریم. و همیشه نمیتوانیم روی اضافه درآمد نفت و ارز حاصل از آن بطوریکه در یکی دو سال گذشته بهلت بحرانی که در ممالک عربی نفت خیز پیدا شد حساب نمایم بنابراین باید توجه خیلی دقیقی بوضع ارزی کشور بکنیم (صحیح است) متضافاً اینکه در مواقع کم شدن ارز قیمتهای داخلی بالا میروند و در نتیجه دوباره صادرات کم و واردات زیاد میشود و این وضع قدرت خرید مردم را مخصوصاً کسانی که درآمد ثابت دارند پائین میآورد. لذا امیدوارم جناب آقای نخست وزیر دستور فرمایند تا در باره تعادل در امر موازنه پرداخت و احتیاجات وارداتی کشور دقیقاً مطالعه شود و کنترل شدید وارداتی و ارزی برقرار گردد و حتی المقدور ارز ما در بر راه ورود ماشین آلات سازنده مصرف گردد تا انشاء الله در آتیه نیز دولتها بتوانند نوید داشتن ثبات قیمتها را به ملت ایران بدهند.

جناب آقای نخست وزیر فرمودند: پیش بینی میشود که اعتبارات بخش خصوصی در سال ۱۳۴۷ نسبت بارقام مشابه سال گذشته ۸۰٪ و واردات کالا و خدمات آن نیز

۲۴٪ افزایش باید. ما با بالا رفتن متعادل اعتبارات و کم شدن هزینه تهیه آن موافقیم و امیدوارم که دولت حتی المقدور سعی نماید همانطور که قبلاً نیز ذکر کردید واردات را بیش از پیش تخصیص بکالاهای سرمایه‌ای دهد.

جناب آقای نخست وزیر خوشحالند از اینکه سرمایه‌گذاری بخش خصوصی تقریباً برابر با سرمایه‌گذاری بخش دولتی میباشد و میفرمایند این نکته بزرگ سرمایه‌گذاری بخش خصوصی تقریباً برابر با سرمایه‌گذاری بخش دولتی است میزان توسعه فعالیت‌های این بخش و نقش مهم آن را در اقتصاد کنونی ایران نشان میدهد. ما بهیچوجه از این موضوع خوشحال نیستیم بنظر ما فعالیت سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در کشوری که دارای اقتصاد آزاد است باید چندین مرتبه از سرمایه‌گذاری دولتی آن بیشتر باشد اگر نظری بمقدار سرمایه‌گذاری دولتی و خصوصی کشورهای با اقتصاد آزاد و مترقی جهان ببینیم مقدار سرمایه‌گذاری بخش خصوصی آنها را چندین مرتبه بیشتر از سرمایه‌گذاری بخش دولتی آنها ببینیم. (خواجهاجوری - توجه بفرمائید از لحاظ مقایسه سنوات پیش سطحشان بالا آمده) بنظر بنده اگر دولت با احتیاط آماده کند سرمایه‌گذاری خصوصی چندین مرتبه بالا خواهد رفت و روزگاری خواهد رسید که سرمایه‌گذاری خصوصی ما بمراتب از سرمایه‌گذاری دولت بیشتر خواهد شد.

جناب نخست وزیر فرمودند که بخش خصوصی باید بوظائف و مسئولیتهای خطیر خود و اثرات عملیاتی که انجام میدهد در مجموعه اقتصاد کشور آگاه باشد و در هر مورد فعالیت‌های خویش را با اصول و ضوابط برنامه‌های عمرانی و سیاست‌های اقتصادی و پولی و ارزی مملکت تطبیق دهد.

در جواب جناب آقای نخست وزیر باید عرض کنم که بخش خصوصی دنبال سود میرود و علاقمند به فعالیت در استفاده بردن است. این دولت است که باید سیاستهای اقتصادی، پولی و ارزی مملکت را طوری طرح و تنظیم نماید که مجموعه این سیاستها عملاً بزرگترین مشوق سرمایه‌گذاران در امر سرمایه‌گذاری باشد آیا احتمالاً با سیاستهای اعتباری غلطی که دارید و بانک کشاورزی

شما در عرض تقریباً ۲۸ سال یعنی از بدو تاسیس سال ۱۳۱۲ تا پایان آبانماه ۴۷ فقط تعداد ۲۸۱۵۴۶۶ وام بمبلغ ۳۷۶۸۶۴۷۹۵۰۰ ریال اعطاء نموده یعنی فقط ۳/۷ برابر سرمایه فعلی خود (این بانک بطور معدل از بدو تاسیس تا پایان آبانماه ۴۷ سالیانه ۱۳۴۵۹۴۵۶۹۶ ریال متقاضیان وام پرداخت نموده است) و یا بزرگترین بانک توسعه صنعتی شما که از بدو تاسیس تا پایان ۳۱ شهریور ۴۷ ۲۶۶ فقره وام بمبلغ ۱۰۶۴۴۹۸۵۲۵۲ ریال را تصویب نموده و جمع سرمایه‌گذاریهایش حدود ۴۰ فقره و بمبلغ ۱۰۳۳۶۰۰۰۰۰ ریال میباشد انتظار دارید بخش خصوصی بیش از این فعالیت نماید؟ خلاصه شما سرمایه‌پرداخت شده تا پایان اسفند ۴۶ بلنکهای تخصصی از قبیل بانک اعتبارات صنعتی ۱۷۹۸/۴ میلیون ریال و بانک توسعه صنعتی ۷۲۰ میلیون ریال و بانک کشاورزی ۹۳۳۴/۲ میلیون ریال و بانک رهتی ۳۷۰۰ میلیون ریال یعنی جمعاً میتوانی انجام دهید یعنی شما در حقیقت میخواهید با در نظر گرفتن حدود ۷ دلار اعتبار برای هر فرد ایرانی وضع صنعت، کشاورزی و ساختمانی او را دیگر کون سازید و این کار خیلی مشکل است. مطمئن باشید که اگر جناب عالی زیربنای اقتصادی این مملکت را درست نمائید و برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی و مالی خود را با سرمایه‌گذاری بیشتر سرمایه‌داران تطبیق دهید بدون شك نتایج بهتری خواهید برد. (عدهای از نمایندگان - اجنت)

جناب آقای نخست وزیر یکی از مواد اصلی انقلاب شاه و ملت برنامه اصلاحات ارضی است. حال که کار این برنامه به اینجا رسیده است، سعی بفرمائید که از این بعد اندازه اصلاحات ارضی بهر نحوی که میتواند کشاورزان آزاد شده کشور را تربیت، کمک، تشویق و همکاری و سرمایه‌گذاری نماید. (صحیح است)

بطوریکه میفرمائید توسعه سریع کشاورزیتان تا حدود زیادی عملاً وابسته به ایجاد واحد های بزرگ کشاورزی نیست علت آن اولاً این است که کشاورزان شما که ۹۹٪ آنها دارای کشاورزی کوچک میباشد بعلت شرایط مختلف از قبیل آب، هوا و زمین بصورت پراکنده

کشاورزی مینمایند و فواصل واحد های تولیدی آنها زیاد و از بازارهای تهیه مواد اولیه و بازارهای فروش محصولات خود دور هستند (بدرصالحیان - چه میگویند مملکتتان، کشاورزیتان، کشاورزانتان چرا خودتان را هم قاطی نمیکنید؟ بگویند مملکتتان، کشاورزانتان) ما هم می‌دانیم همه بک هدف داریم همه ما یک گروه هستیم (صحیح است) یک ملت هستیم، ۲۵۰۰ سال اینطور بودیم ۲۵۰۰ سال بایستیم هم اینطور خواهیم بود (اجنت - اجنت) برای آنکه شما بتوانید واحد های بزرگ کشاورزی بوجود بیاورید باید با زیرساخت های فعلی بانک را انجام دهید. اینکه از آب رودخانه‌های جاری استفاده نمائید بلکه بالاخره آب را از محلهای مختلف بوسیله جاهای عمیق بدست آورده و بوسیله لوله یک نقطه بیاورید و کشاورزی بزرگ انجام دهید حال اینکه امکانات تولید آب ما در حال حاضر چیست. بطوریکه طبق گزارش هفتمین جلسه کنفرانس منابع توسعه آب آسیا و خاور دور و سازمان ملل که در ۲۶ سپتامبر ۱۹۶۶ در کنفرانس استرالیا تشکیل شد ما فعلاً دارای پنج سد مخزنی بظرفیت ۵۵۰۰ میلیون متر مکعب هستیم که فعلاً در حالت بهره برداری است و سه سد مخزنی دیگر در حال ساختمان داریم که ۱۶۰۰ میلیون متر مکعب ظرفیت آنها هست پنج سد مخزنی دیگر هم داریم که طرحهایشان آماده شده و ظرفیت آنها ۳۸۰۰ میلیون متر مکعب است و جمعاً ده هزار و نهصد میلیون متر مکعب آب از منابع باصلاح سد ما میتوانیم در اختیار کشاورزان بگذاریم ضمناً ما چهل و پنج هزار قنات داریم که آنها پراکنده هستند از این چهل و پنج هزار قنات چهل هزار قنات دایر است و در حدود ده هزار میلیون متر مکعب آب تولید میکنند و ضمناً مطالعه آبهای تحت الارضی که در ۲۰ نقطه از کشور برای ۴۷۰۰۰ میل مربع انجام داده ایم و تماماً میتوانیم بک پشتوانه‌ای برای احراز نظر جناب آقای نخست وزیر باشد. مضافاً ۲۴۵۰ چاه عمیق ۲۵۱۰ چاه نیمه عمیق داریم آنها هم بطور پراکنده میباشند و برای مصرف شهرها و کشاورزی آب تهیه میکنند

(مهندس عسرت - این آمار را از کجا بدست آورده‌اید؟) از هفتمین کنفرانس آب تهران ۲۶ سپتامبر ۱۹۶۶ در استرالیا منتشر شده است برای توسعه سریع کشاورزی (مهندس صابئی - آقای دکتر نماینده ایران هم شرکت داشته‌است؟) سؤال شد نماینده ایران حضور داشته. بله نماینده ایران هم بوده است (فاضلی - این آمار است که نماینده ایران داده است) بنده عرض کردم برای توسعه سریع کشاورزی ایران آقایان باید اول بوضع این ۹۹ درصد کشاورزان فعلی رسیدگی بکنند و یک تکلیف برایشان معین بکنند تا امکانات توسعه کشت برایشان بوجود آید ضمناً اگر میخواهید از سدها برای کشاورزی استفاده کنید ما نمی‌توانیم ندار ولی بنظر من اول آن چیزی که دارید حفظ بکنید بهترش بکنید، توسعه اش دهید بعد بروید دنبال چیزهایی که ندارید و بنظر من این خط مشی توسعه تولیدات کشاورزی بر آن مبنائی که آقایان در نظر دارند فعلاً باغیضی که کردم صددرصد امکان پذیر نیست بنده توضیح میدهم که توجه خاص بوضع کشاورزی فعلیتان بکنید ضمناً اگر پولی داشته‌اید فرصتی داشتید و کارشناسی داشتید برای واحدهای بزرگ که تخصیص دهید. حال که صنایع جدید بوزن آهن، پتروشیمی، گاز، ماشین سازی، آلومینیوم، صنایع اتومبیل، تراکتور و غیره در کشور ما بوجود آمده است دولت باید سعی نماید از تمام فرصت‌ها استفاده کرده برای رشد بیشتر تولیدات صنعتی اقدام نماید انواع فعالیت‌هایی که دولت میتواند در این زمینه انجام دهد زیاد است که به توسعه وضع صنایع ایران و کمک بر رشد بیشتر تولیدات صنعتی و صادرات محصولات خواهد کرد. بنده پیشنهادی دارم برای اینکه این هدف زودتر و بهتر بدست نیاید این جا بفرم همکاران محترم میرسانم در ایران صنایع نو بنیاد است و اینها احتیاج به کمک و حفاظت دارند تا قیمت واحد محصولات را که تهیه میکنیم پایین باشد از این نظر باید مواد خاصی که در اختیارشان گذاشته میشود حداقل قیمت را داشته باشد. این مواد خام را آقایان چون بعلت گرفتارهای مالی در فصل معین نمی‌خرند گران می‌خورد و طبیعتاً همین خریداری با قیمت گران منعکس میشود

روی واحد تمام شده و اگر ما هدفمان توسعه صادرات محصولات صنعتی باشد اینجاست که می بینیم نمیتوانیم این کار را خوب انجام بدهیم بنابراین بنده توصیه می کنم يك بانك اعتبارات صنعتی جهت خریداری مواد اولیه برای کارخانجات بوجود بیاید (مرضوی - بانك ملی این کار را می کند) ولی بنده باید خدمتتان عرض کنم بانك ملی با وضعی این کار را انجام میدهد که تعداد زیادی از کارخانجات ما را تصاحب کرده و اگر بیش از این باین رویه غلط ادامه دهد تعداد زیادی از بخش خصوصی توی حلقوی بانك ملی قرار می گیرد (مهندس صائبی - بانك ملی ایران است) و خورده میشوند - بانك ملی ایران را هم عرض کردم بحساب سود و زیان و ترازنامه های ده سال اخیرش و خریدارهای کارخانه ها و تصاحب هائیکه در بخش خصوصی کرده رسیدگی نمائید همه با من هم عقیده میشود (مرضوی - این مال دوران قدیم است که مدیریت صحیح نداشته اند) البته مدیریت بهتر شده و من هم به مدیریت معتمد ملی هنوز نواقص زیاد است. دوم تغییر قانون تجارت بنحوی که ما بتوانیم شرکتهای سهامی بمعنای واقعی بوجود بیاوریم. شرکتهای سهامی که امروز داریم بشه بزاد و پدر یا سه تا رفیق است، این نوع شرکت سهامی نمیتواند پشتیبانی قوی و نیرومند برای اقتصاد ما باشد. (صحیح است - اجسنت) بیایید قانون را بررسی کنید و طوری تنظیم بکنید که شرکتهای سهامی بمعنای اخص بوجود بیاید تا روزی شما و بچه هایتان بتوانید افتخار کنید از اینکه صادرات ما توانسته است در بازارهای بین المللی راه پیدا کند (اجسنت) بنده يك پیشنهاد دیگری دارم و امیدوارم دولت این امر مورد توجه قرار بدهد تعداد زیادی از جوانها و زیران ما دارای يك طرح هائی صنعتی و سود آور هستند که اینها بعلم نداشتن امکانات مالی و بعلم نداشتن وسیله نمیتوانند اعتبارات مالی بگیرند و این اعتبارات را در راه سرمایه گذاری با سرمایه گذاری مختصر خودشان تلفیق داده و يك واحدهای صنعتی بوجود بیاورند بنده میخواهم پیشنهاد بکنم شاید بانك صنعتی اعتباری بوجود بیاورد

برای کسانی که طرحهای صنعتی سود آور دارند ولی پول ندارند و میخواهند این طرحهای سود آور را عملی نمایند. تا آنکه این بانك پس از آنکه تشخیص داد که این طرحها از نظر اقتصادی، مالی و فنی سود آور است بصاحب طرح تمام سرمایه لازم را بدهد بعد بانك در طول مدت از سود حاصل از آن سرمایه گذاری اصل و بهره و امش را پس بگیرد و در نتیجه واحدهای جدید صنعتی بوجود بیاید. این کار تا کی ندارد در انگلستان شروع کرده اند و نتیجه خیلی خوب هم گرفته اند، در بعضی از ممالک کم توسعه باقیه هم این کار را کرده اند و نتیجه خوبی گرفته اند و البته خود طرح بجای وثیقه است و اگر بخواهید اسمش را بدانید همان

Hire Pur Chasing - Loan

است چهارمین پیشنهادی که دارم راجع بوضع بورس این مملکت است یکسال است که ما دارای بورس شده ایم، اولاً من واقفم از این اقدام دولت تشکر میکنم که ب فکر تشکیل بورس افتاد و برای اولین دفعه بیدین اقتصاد بدون قلب مایك قلب کوچکی داد بنده بفعالیت این بورس در سال گذشته رسیدگی کردم دیدم که در این بورس که برای بخش خصوصی و تسریع در سرمایه گذاری و جمع شدن پس اندازها و بکار افتادن آنها در راه سرمایه گذاری بوجود آمده میبینم که از ۴۲۵۸۲ سهمیکه در این بورس بفروش رفته فقط پنج سهمش مربوط به بخش خصوصی است و آنهم سهام نفت پارس است از ۱۱۵ میلیون تومان معامله فقط ۲۸۰۰ تومانش مربوط به بخش خصوصی است (دکتر بزاد پناه - شما سهام بانك توسعه صنعتی را خصوصاً نمیدانید؟) نه، برای اینکه سرمایه دولت درش کار میکند و برای اینکه اصولاً این بانك را ما مورد تأسیس این بورس کرده اند و خودش برای اولین دفعه مجبور بود مقداری از سهامش را بیاورد و بفروشد و این کار را راه پیندازد و بخش خصوصی که نفت پارس باشد پنج سهم را مبلغ ۲۸۰۰ تومان فروخت (دکتر المونی - راه حلی که پیشنهاد میفرمائید چه هست؟)

اگر توجه میفرمودند جناب آقای دکتر المونی و اجناب آقای مهندس ارفع صحبت نمیکردید سه موزدش را عرض کردم بعد اصورت مذاکره را مطالعه فرمائید بنجم، بانك توسعه صنعتی باید وجود بیاید برای فروش محصولات صنعتی، یعنی چه، یعنی آقایانی که امروز روی روی بنده نشسته اند و ماشاء الله تعدادشان زیاد است زفته اند اندازه دونهائی کارخانه خریدند که این دولتها برای فروش کارخانه ها اعتبارات طولی المده با بهره کم داده اند مثلاً ۱۵ ساله با بهره ۲/۵ درصد شما کارخانه تراکتور رومانی را باین عملی که واقفانهترین نوع کارخانه در دنیا بوده بخریدید (عدهای از نمایندگان - صحیح است) میدانید چرا خریده اید؟ برای اینکه اعتبارات فروش شما با وضع خرید شما میخوانده (عدهای از نمایندگان - صحیح است) بنابراین چرا از آن فایده خود ما استفاده نکنیم، بیائیم بت بانك صنعتی درست کنیم که اعتباراتی بخریداران محصولات صنعتی بدهد که ما بتوانیم در این دنیای آزاد و در بازارهای بین المللی مثل سایرین رقابت کنیم اگر میخواهید صنایع نو بنیاد شما جان بگیرد، رونق بگیرد باید کمکش کنید، کمک اعتباری بکنید دو مدت زیاد طولانی و این کمک راهم پس بگیرید (دکتر اسفندیاری - باسودش) بله باسودش ولی محصول صنعتی خود را بفروشید که صادرات غیر نفتی از ۸ درصد کل صادراتتان بیشتر بشود و همیشه جهت و کفایت نلرز (دکتر المونی - توجه فرمائید. ما دلار نمیدهیم، کالا میدهیم و در مقابلش کالا میگیریم) کاش من وقت داتتم و وارد این بحث میشدم کالا به کالا، قبول دارم ولی کالائیکه میباید همان کالا قیمت دارد، ارزش دارد پول است این کارخانه که شما میخرید برای شما خوبست، صرف دارد اگر پول نقد میخواست با بهره شش درصد یا هفت درصد از چکسلواکی بخرید دیدم میرفتید از انگلیس، امریکا یا آلمان که کالایش بهتر است میخریدید (دکتر المونی - مصلحت ملت ایران اینست که کالا بدهد نه کالا بگیرد) بانك توسعه صادرات برای محصولات صادراتی غیر نقدی باید تأسیس شود، ششم، شما صادرات بزرگان بپرداز

نفت - قالی، پنبه و محصولات خشکیار است، اینها را بیایید يك بانکی برایش تشکیل بدهید که بتوانند بر مبنائی که عرض کردم محصولات صادراتی شما را بفروش رسانند، این بانکهائی را که پیشنهاد میکنم باید نامور بشوند که اطلاعات بین المللی را در اختیار تولید کنندگان و صادر کنندگان بگذارند و این باید بطور اخص به استانداردیزه کردن محصولات و توسعه صادرات کمک بکنند. (صحیح است) جناب نخت وزیر فرمودند بدهی است که دولت همواره مراقبت کامل در بر قرار می تابد وضع ارزی کشور داشته و خواهد داشت در این سال درست است که منابع ارزی لازم تأمین کرده است ولی با قرض و آنهم قرض خارجی ما با قرض خارجی در صورتیکه شما تمام امکانات داخلی را از نظر بهره برداری صحیح از عوامل اقتصادی بکار برده باشید و بعد کمبود ارزی خود را فقط بجهت سرمایه گذارهای بابازده بیش از بهره وام تأمین نمائید مخالفتی نداریم ولی در حالیکه سیالانه حدود یک میلیون دلار از نفت عاید مملکت ما میشود و باز میبینیم قسمتی از قرض خارجی دراصل بمنظور پرداخت دیون حاصل از واردات لو کس میشود، ما تاراحت می شویم این ناراحتی مخصوصاً زیادتر میشود موفقیکه ما در صورت وام گیرندگان اوبانك بین المللی در سال ۱۹۶۸، کشور خودمون را گرفته ۴۷ میلیون دلار بین کشورهای آسیائی و خاورمیانه سوم و بین تمام کشورها هشتم میبینیم گزارش سال ۱۹۶۵ بانك بین المللی صفحه ۶۹، با آنکه موفقیکه ما تازه بر داختها در شش ماهه اول ۱۳۴۶ و شش ماهه اول ۱۳۴۷ مقایسه میکنیم، میبینیم که در باقیتهای جاری موازنه ارزی در نیمه اول سال جاری به ۵۹۹/۸ میلیون دلار بالغ گردیده و نسبت بدوره مشابه سال قبل هم ۱۲/۴ درصد افزایش داشته ولی این افزایش نتیجه ۱۱/۱ درصد افزایش در باقیتهای بخش نفت و فقط ۵/۶ درصد افزایش صادرات کالا و ۳/۱ درصد افزایش صادرات خدمات نسبت بارقام مشابه سال قبل بوده است. از طرفی پرداختهای جاری موازنه ارزی کشور طی دوره مورد گزارش ما به ۸۰۷/۵

ماليات با بود با قدرت پرداخت ماليات مردم تطبيق داشته باشد و اگر شما ۳۲ درصد از درآمد مردم را از دستشان بگيريد آيا اين ۳۲ درصد وصولي را طوري سرمايه گذاري ميکنيد که با مال در آنيه براي او ايجاد درآمدي بيش از ۳۲ درصد بنمايد ؟

جناب آقاي نخست وزير آيا فروش اوراق قرضه ايران در آلمان فدرال نشانه ثبات اقتصادي کشور يا نشانه اعتماد بر هري شاهنشاه و بيثباتي در آمد ثابت ۱ ميليارد دلار حاصل از فروش نفت است ؟ من همکارانم در اين مجلس انتظار روزي را ميکشيم که اولين قرضه ايران با پشتيباني از حاصل از فروش محصولات صنعتي غير نفتي و کشاورزي ايران باشد . (صحيح است)

جناب آقاي نخست وزير ، اعضاء حزب مردم و گمان کنم تعداد زيادي از مردم شريف ايران هنوز از منشور انقلاب اداري ايران در جهت بهتر نمودن تشکيلات مؤسسات دولتي ، اعمال مديريت صحيح ، دادن اختيارات لازم در مقابل مسئوليتها ، رفع تبعيض ، بر طرف نمودن بود و کراسي ، از بين بردن تمرکز کارها در مرکز ، داشتن يك سيستم اداري صحيح استوار بر پايه تفهوق و تنبيه بر مبنای عدالت ، تقسيم کار صحيح ، گماردن کار بکار دان ، خراب نکردن متخصص در اثر بکار گمايدن آنها بکارهاي خارج از تخصص آنها و بالاخره داشتن مؤسسات آموزش صحيح جهت تربيت کارشناسان سازمان و مديريت اندازه گيري کار ، روشهاي مؤثر انجام کار و بايگانيهاي جديد و غيره آثاري ندیده اند . هنوز ۴۰٪ کارمندان غير فني عمال دستگاههاي دولت زياد است تعداد خدمتگزاران نسبت بکار اکتيو فوق العاده زياد است و سازمان مرکزی شرکتهای وزارت اقتصاد در مقابل تقريباً هر دو نفر کارمند يك خدمتگزار است با اين وضع چطور ميتوانيد ارز را بياي کارمندان را انجام دهيد ؟

اينجا بنام اميدوارم که جنابعالي در انجام اين کار که يکي از مواد انقلاب شاه و ملت است بيش از بيش موفق باشيد بدانيد روزي که در کار اداري موفق بوديد در کار نخست وزير يانها هم موفق خواهيد بود . (صحيح است)

من اميدوارم که بطور جدی دولت تحقيق را در

به جناب آقاي نخست وزير بنده صد درصد با جنابعالي موافقم که طبيعت برنامه هاي بزرگ اقتصادي ايران چنان است که بايد از تنظيم سياستهاي اقتصادي بيوسته مراقب ايجاد تعادلهای لازم خاصه در مورد وضع ارز ، ثبات نسبي و قيمتها بود ولي با آماری که ارائه شد آيا جنابعالي بنحو احسن وظيفه خود را در موارد بالا انجام داده ايد ؟

جناب آقاي نخست وزير ، ما نيز باشما کاملاً موافقم که شاهنشاه آريامهر هميشه باعث سر بلندي کشور خودشان بوده اند و بيوسته سعی نموده اند که ملت خود را بيش از بيش بکشورهاي خارجي معرفي نمايند . (صحيح است) ما اضافه ميکنيم که حتى در دولت شما ايشان بخريدار خانجرات ارزان قيمت و پيدا کردن بازارهاي براي محصولات صنعتي شما شخصاً اقدام فرمودند . (صحيح است) ما وطن سياستگراي ايران هميشه تا عمر داريم از رهبريها و ارشاد پدر تاجدار زمان متشکريم و اگر روزگاري بنمايد بيش از اين خدمتگداري کنيم اين افتخار را با خود رسندي ميپذيريم و مطمئن هستيم که ژنرال خاطر شان را بدست خواهيم آورد . آيا جنابعالي و رفقايتان چنين احساسي در خود ميکنيد ؟

دولتها از وصول بيشتر ماليات بخود مينالگو و هر قدر که مقدار ماليات وصول شده بيشتر باشد بديگران بيشتر فخر ميپوشند . ولي بايد در نظر داشت که اضافه وصولي

ماه شئون اقتصادي ، اجتماعي ، فني ، کشاورزي ، صنعتي تجارتي و علمي توسعه داده روزي بيش آيد که ما نه تنها نتايج تحقيقاتمان را بتوانيم بديگران بفروشيم يا بدهيم بلکه بتوانيم دانشمندان را بديناي علم امروز تقديم داريم . اينجا بنديست با دارو شوم که تعداد زيادي از محصلين پراني در امريکا و اروپا مشغول تحقيقات علمي هستند که اگر دولت با تدبير ي خاص با اين ايرانيهاي تحصيل کرده و قيمت خرج نمائيم بگيرد باور بفرمائيد در صورتيکه هم بنقد در دهات بتواند حقوق نسبتاً مکفي به آنها بپردازد کنه مخابرات آنها را تأمين نمايد خواهند آمد ما مطمئنيم که آنها شاه و مملکت خود را همانقدر که شما و ما دوست داريم دوست دارند و نسبت به مادر وطن وفادار و هميشه خدمتگزارند . (صحيح است)

جناب آقاي نخست وزير بنده يکي از کم ترين آنها هستم که با ده هزار تومان حقوق باهيانه يك زن و ده بچه را براي خدمت بچاه و کشورم از دست دادم و با حقوق ۹۶۰ تومان در کشورم ۱۲ سال پيش شروع بکار کردم و آنها مرا گذاشتند در قفسه (ناظر در اين موقع بگره افتادند) . در باره زلزله خراسان و سيل اخير خوزستان و فدرس بايد بگويم که دولت بايد هميشه آمادگي کامل داشته باشد . بنظر من قهر طبيعت دشمني است که بيوسته بدلشکر آرامش و خوشبختي ملتها شيخون ميزند و دستگاههاي مسؤل دولتي بايد شب و روز بيدار و آماده باشند که تا توسط اين دشمن قهار بي انصاف غافلگير نشوند من شاهد ناراحتي همکاران ارجمند مخصوصاً مسئولين امر در مورد الحظايت ناگوار بودم و اميدوارم که ما در آينه از اين ناراحتيها کمتر داشته باشيم .

جناب آقاي نخست وزير در جاي ديگر ميفرمايند مراقبت کامل بر شرايطي که رشد اقتصادي ايران را با امکان پذير ساختن و نيز همکاري بخش خصوصي و دولتي مواضع را که طبعاً در راه رسيدن به هدفهاي عالي اجتماعي و اقتصادي کشور پديد ميآيد بديقياس وسيمي بر طرف ساختن محاسباتاً بايد عرض کنيم که دولت مخصوصاً با اين اقداماتي کند که بيش از بيش جلب نظر و اعتماد مردم را بنمايد و با اختيارات و امکاناتيکه مجلس شورای ملي عملي در اين دريغ در

اختيارش گذاشته است سعی نمائيد خدمتگراي صادق ، رفيق ، بدون تکبر ، بدون نفوس ، بدون خيد باشد . اضافه خود دولتيها در آنيه نيز بايد همکاري و صميميت با دولتي نشان دهند و ديگر لازم نباشد که وقت استادن با صرف مبالغه بگري بين نژادهاي ادارات شود و سازمان مسکن از اوليات اصلاحات ارضي و وزارت اصلاحات ارضي از وزارت منابع طبيعي و قس عليه داشته باشد . اگر شما در بافت مخم عهد منزل مردم را در روزند گرمان باغ عمر در اين باغ غلظت خودتان ثبت بدهيد . نبايد انتظار همکاري را داشته باشيد .

در مورد اينکه در بودجه ۴۸ پرداخت کليه اوراق قرضه دفاعي که سر رسيد آن فرا ميرسد تأمين شده و همچنين سه ميليارد ريال براي اجراء قانون استخدام کشوراي اعتبار در نظر گرفته شده و مخصوصاً اگر در آمدهاي بيشتر ي بدست آيد مورد استفاده بودجه عمراني قجرار خواهد گرفت ما نيز خوشحاليم ولي در سال گذشته در همين مجلس شورای ملي نباشد که دولت بودجه بر آمدهاي براي سال ۴۸ تقديم کنند ولسي موفق نشده است . مع الوصف ما هم بنقد در که مي بينيم دولت در سال آينده مصمم است که براي تعيين و تشخيص پراکندي و گسترش عمليات و اعتبارات دولتي در کشور براي چهاره زارت خاندي آباداني و مسکن ، آموزش و پرورش ، بهداشتي و کشور بر نامه توزيع استاني اعتبارات را اجراء کند و اجرائي اين امر را در لايحه بودجه سال آينده پيش بيني و به مجلس پيشهاد کرده است خوشحاليم و نايب عرض کنيم که در مارس ۱۹۶۷ بنا به پيشهاد پرزیدنت جانسون ، کمیته اي مرکب از ۱۶ نفر اشخاص وارد ما مور بودجه تشکيل گردید تا پيشهادي براي تهیه بودجه امريکا تهیه نمايند . اين ۱۶ نفر پس از مطالعه دقيق بودجه امريکا و ساير بودجه هاي کشورهای مرفحي پيشهاداتي براي جانسون تهیه نمودند که بعضي از آنها از اين قبيل بود .

۱- يك بودجه واحد بجای بودجه ايکه در گذشته از سه نقطه نظر تهیه ميشد تهیه شود .

۲- بودجه بايد شامل تمام برنامه هاي دولت و سازمانهاي آن باشد .

۳- حسابهاي مربوط به هر يک و حسابهاي مربوط به

وامها باید تفکیک شود. در برنامه پیشنهاد نمودند که روش **Planning, Programing, And Budgeting** بکار برده شود. این روش قدری پیچیده است ولی دارای فزایایی بسیاری است. اینجانب پیشنهاد مینماید که مأمورین مسئول دولت ما این روش را تحقیقاً مطالعه و اگر میتوانند در تهیه بودجه مورد استفاده قرار دهند. جناب آقای نخست وزیر فرمودند که اینک به بررسی عملکرد سال ۴۷ نشان میدهد که اقتصاد ایران در نخستین سال برنامه عمرانی چهارم از هدفهای متوسط سالانه این برنامه پیشی گرفته است ولی ساز بسیاری از مردم سؤال میکنند پس چرا تعدادی از طرحهای برنامه عمرانی سوم که انجام نگرفته و از نظر اولویت هم در رده اول در برنامه سوم قرار گرفته بود و در چهارم هم قرار گرفته شروع نشده است مثال شروع اسفالت راه نائین کرمان و شروع کار بعضی از راههای فرعی است. قول شروع اسفالت راه نائین کرمان به کلای کرمان حداکثر تا اردیبهشت ماه گذشته داده شده بود ولی هنوز جز انجام کار مناقصه آن عملاً کار دیگری شروع نشده است.

(در ساعت ده و ۲۵ دقیقه صبح آقای دکتر خطیبی (نایب رئیس) در بیست و یکمین روز کارزار گرفتند) بخش خصوصی نسبت به استخراج منابع معدنی آنچنان که باید رغبتی نشان نداده است و علت اینستکه اصولاً دولت حتی کمکهای محدودی را که به صاحبان صنایع خصوصی میکند به معدنکاران نمیکند. بانکها با توسعه مراغب بدادن وام به معدن نیتند و آن بعلت نداشتن وثیقه از طرف معدنکاران و مخارج نسبتاً زیاد راه سازی است شاید بهتر است دولت یک بانک مخصوص معدنکاران جهت کمک بآنها از نظر ازدیاد تولید و از جمله صادرات محصولاتشان تأسیس نماید. اینجانب وثیقه باید خود معدن، وسائل حفاری و راه باشد.

در لیست وامهای اعطائی بانک کشاورزی مشاهده شد تعداد چاههای حفر شده در هشت ماهه سال ۴۶ که ۱۱۶۸ بوده است متناسبانه در هشت ماهه سال ۴۷ ۹۹۴ عدد رسیده و نه حقیقت در عوض آنکه زیاد شود ۱۱/۹ درصد کم شده است و گزارش فعالیت های بانک کشاورزی در یک ماهه آبان

و هشت ماهه سال ۴۷ این بعلت آنستکه وزارت آب و برق بر مبنای گزارشات فرانسوی ها که اینجانب آن گزارشات را مطالعه نموده ام تعداد زیادی از مناطق جنوب را جزء مناطق ممنوعه بامحدوده قرار داده است در این مناطق بعلت سیل، بالا رفتن مزد کارگران و حفار چاههای عمیق تعداد زیادی از فنوات خشک شده چون رود آب هم ندارد لذا وزارت آب و برق باید یک سلسله مطالعات عمیق تری در مورد منابع آبهای زیر زمین شروع و حتی الامکان سعی نماید باین روش صحیح اجازه حفاری و نصب پمپ دهد بنظر من مناطق برق منطقه ای وزارتخانه آب و برق در آنیه میتواند وسیله تبدیل موتور پمپها به الکترو پمپها فراهم نموده قیمت برق را حتی المقدور پائین و اعتبارات لازم را جهت تبدیل موتور پمپ به الکترو پمپ تأیید کردن برنامه اصلی ملی شدن آنها، با کمک منابع اعتباری فراهم آورد.

ما از بی ریزی صنایع سنگین و سیاست صنعتی شدن کشور استفاده از منابع معدنی که اکتشافات اخیر بنام بفرمایش جناب آقای نخست وزیر آینه درخشانی راه دارد فوق العاده خوشحالیم و با آنکه امید داشتیم دولت با اضافه درآمد قابل ملاحظه ای که دارد رقمی بیش از ۸۷ میلیارد ریال مربوط به پرداختهای عمرانی سال ۴۸ نماید ولی باز معتقدیم اگر این ۸۷ میلیارد ریال واقفاً خوب خرج شود شاید بتوان رشد اقتصادی را در سطحی که شایسته کشور ماست نگه داشت. بعلت کمبود ارز، مادر مراحل اول توسعه اقتصادی صنایعی توجه داریم که جنبه صادراتی داشته باشد و بازده سرمایه گذاری آن قابل ملاحظه و زود هم بدست آید. از این نظر امیدواریم با در نظر گرفتن آنکه امروز حدود ۲۸۰۰ محصول پتروشیمی و گاز وجود دارد و تعداد قابل ملاحظه ای از آنها حالت بازرگانی بخود گرفته است دولت ترتیبی دهد که در بسیاری از این شعبات با کمک بخش خصوصی سرمایه گذاری کند و در تمام این سرمایه گذاریها از فکر توسعه امکانات صادرات فارغ نباشد ما باید هدف را طوری معین نمائیم که به اقتصادی صنایع محصولات مورد احتیاج داخل را تهیه نمائیم و به بعضی از صادرات جنبه حمله ای بدهیم، بنظر من صنایع پتروشیمی، قالی، بسته بندی خشکبار، و پارچه بافی و

صنایع انواع خودرو و بعضی دیگر از انواع صنایع میتواند جنبه حمله ای بگیرد. بنظر ما این سیاست غلط است که دولت کارخانه را بخرد و پس از مدتی با نفع یا ضرر مردم بفروشد. بنظر ما بهتر است در همان حلقه اول دولت سعی نماید در بیشتر سرمایه گذاریهای خود مردم را شرکت دهد. آقایان چاره ما زودتر بیدار شدن از همسایگانمان در این مورد است. باور بفرمائید مشکل نیست. سه سال قبل (در این مباحثه) بانک بین المللی به آمریکا رفتیم و بچشم خود کارخانه فولاد سازی Lacklid Steel Plant را که آهن یاره را بصورت فولاد در میآورد دیدیم و در هیئت مدیره آن شرکت کردم و دیدم با آنکه در کنار راه آبی قرار گرفته و محل تقاطع راههای آمریکا و راه آهن است و چند کیلومتر تا دریا راه دارد نمیتوانست با زاینها که مقدار زیادی از سوخت و سنگهای آهن (Iron ORE) لازم خود را از آمریکا وارد مینمایند و دوباره قسمتی از فولاد خود را بآن مملکت صادر مینمایند رقابت نماید تا بجائیکه از سنای آمریکا کمک خواست و سنا موافقت نکرد و مجبور شدند برای اولین مرتبه در تاریخ فولاد سازی آمریکا الکتریک فورنس های ۸۰۰ تنی بگذارند تا قیمت تمام شده را پایین بیاورند و بتوانند رقابت نمایند. ژاپن با حقوق کمتر، کمکهای صادراتی دولت و دیسپلین بهتر توانسته بود سرمایه و تکنیک بالاتر را برای مدتی بز انورد آورد. این یک درس بزرگی است بشرطی که ما بفهمیم، قبول کنیم و مهمتر از همه عمل نمائیم. (صحیح است - احسن است) آقایان در صنعت کشاورزی ما باید تغییرات زیادی داده شود، آبیکه در ایران بمصرف کشاورزی میرسد یکی از گرانترین آبهای جهان است.

اعتباراتی که کشاورز ایرانی استفاده مینماید فوق العاده گران است ضمناً اخذ این اعتبار با مشکلاتی روبرو است که گاهی خنده آور است. کمک دولت مخصوصاً کشاورزی جنبه معامله یک تاجر درست حساب با یک تاجر بد نام را دارد. مشکلات اداری و قوانین پیچیده و انقلابی ما کشاورزان را بعلت نفهمیدن آن گیج کرده و تا حدودی ترسانده است.

کمک، اعطاء بذر، کود، سمپاش و راهنماهای فنی بزارعین فوق العاده کنند و با امکانات زارعین مانطبق نینماید و شرایط استفاده از این سروسها فوق العاده مشکل و برای آنها غیر عملی است. کارشناسان فنی که با زارعین تماس میکنند در رشته تخصصی خودشان اطلاعات کافی ندارند.

عرض کردم آب گران است برای اینکه فعلاً از چاه های عمیق آب ۱/۵ تا ۲/۵ ریال متر مکعب تهیه میشود، شنیده ام برقهای منطقه ای میخواهند این قیمت را تا حدود یکریال بکنند، کمک بزرگی است ولی کافی نیست. بنظر ما اگر وزارت آب و برق در مراحل اولیه قیمت را هم کمتر بنمایند بعلت پیدا کردن مشتری بیشتر ضرر اولیه را جبران خواهند نمود.

در باره اعتبارات کشاورزی مسئولین میگویند که ما نرخ بهره ۷٪ میگیریم و این خیلی کم است. در حالیکه بهره انواع اعتباراتی که میدهند بین ۶٪ و ۱۱٪ است.

حداقل بهره ۶٪ برای کارهای عمرانی و حداکثر بهره ۱۱٪ برای اعتبار در حساب جاری است.

در مقابل طرحهای خود بانک کشاورزی بحساب خودش فقط در مقابل مبلغ وام وثیقه میخواهد ولی معمولاً چون کارشناس بعلت آنکه اگر کم کارشناسی کند باید از حقوق خودش بپردازد نصف مبلغ وثیقه را قیمت گذاری مینماید لذا در حقیقت هزینه وثیقه اخذ میکند. نسبت به بهره های فوق الذکر باید یکی دو درصد هم برای حق کارشناسی، مخارجات سرسام آور محض و سایر مخارجات متفرقه اضافه نمود.

حال که بهره وامهای بانک بین المللی بین ۱۹۲۷ و ۱۹۶۸ از ۶٪ کمتر و از ۱۶٪ بیشتر نبوده و خود شما وام ۲۲ میلیون دلاری کشاورزی برای دشت خروین را در ۶٪ بهره گرفته اید، میدانید که این بهره های کشاورزی شما از یائین ترین بهره های است ولی نمود حاصل از کشاورزی شما بعلت هزینه زیاد تولید و برداشت کم در هکتار نسبتاً کم است و بهره ای که بانک کشاورزی شما میگیرد بنا بر هزینه های مربوطه اش سنگین است. در همین کشور خود

ما متکلم صادرات ایران که بانک بارگانی است اعتبار در حساب جاری میدهد که بهره آن ۱۰٪ است نسبت بمبلغ استفاده شده از اعتبار و ۱٪ در هزار است نسبت بمبلغ اعتباراتی که در حساب جاری بوده و استفاده نشده است. در حالیکه بانک کشاورزی شما ۱۱٪ بهره از مبلغ استفاده شده میگیرد و از باقیمانده اعتباری که کشاورز گرفته ولی از آن استفاده نمینماید، یک درصد میگیرد بنابر این یک چنین بانکی نمیتواند آنطوریکه باید و شاید بر زرین کمک نماید. مضافاً به اینکه بانک بیلیون تومان سرمایه و کارها و مسئولیتهایی که دولت پیش پایش میگذازد قادر بکمک قابل ملاحظه و حساس نیست. مملکت ما استثنای نسبت ما نیز باید رشد اقتصادی را بر پایه های یک کشاورزی مدرن که تهیه کننده مواد اولیه صنعتی و خوراکی میباشد بنا بگذاریم بهمین دلیل است که بانک بین المللی اگر بین سالهای ۱۹۶۱ و ۱۹۶۲ ۷/۵٪ از اعتباراتش را متوجه کشاورزی کشورها کرده بود در سال گذشته (۱۹۶۸) این اعتبارات را به ۱۸٪ رساند.

بانک بین المللی در سال گذشته کاری نمود که برای ما جالب است و آن این است که از طریق مؤسسات مالی ۱۸ کشور و امپای کشاورزی و کشاورزان کشورهای از قبیل آرژانتین، بلویا، شیلی، برزیل، موراگو، پاکستان و غیره داد. ما نیز میتوانیم از این وامها استفاده نماییم. از آنجائیکه ممکن است بعضی از نمایندگان دولت فکر بفرمایند ممکن است بعضی از بانکها خصوصی بدعمل کنند و بیرونش اعتباری کشورمان در خارج طعمه بزنند، ما پیشنهاد مینماییم بانک توسعه کشاورزی ای بر مبنای بانک توسعه صنعتی ایران تشکیل دهیم که بتواند بیرونهای کشاورزی صنعتی (Agro-Industry Projects) این مملکت کمک کند. این بانک با بفتی طرحهای کشاورزی صنعتی تهیه و برای سرمایه گذاری بخش خصوصی ارائه نماید و در صورت لزوم خودش شریک شود.

بنظر من تماس ما با سازمانهای بین المللی که تحقیقات مختلفه کشاورزی را انجام میدهند حیاتی است مثلاً انواع کتیم ویرنجیکه از نوع جدید میباشد و از سال

۱۹۶۵ بدست بعضی از زارعین آسیائی رسیده است و توانسته اند بوسیله آنها مقدار محصول در هکتار را (مثلاً در هند، پاکستان و فیلیپین) یکی دو مرتبه بالا ببرند تازه تعداد محدودی از انواع آنها پارسال بدست ما رسید. مثلاً در حال حاضر واریته IR 8 برنج و واریته های مختلف کندمهای ساق کوتاه مکزیکی قابل ملاحظه ای بدست آمده که لولی از سال ۱۹۶۶ و دومین از سال ۱۹۶۵ بدست زارعین نقاط مختلف رسیده است (مهندس اسدی-سیدج- آقای مهندس ما باید مطالعات محلی بکنیم مطالعات کشورهای خارج بدرمان نمیخورد) اگر صبر میکردیم در زمان میرساندم که این مطلب تا حدی درست است ولی بذوری که آوردند بذور فوق العاده خوب بود نتیجه خوب دادند (مرضی- درخوردستان آزمایش شده و بذور امپال توزیع میشود) IR 8 بوسیله

International Rice Institute in the Philippines

بهدست آمده و کتیم ساقه کونای مکزیکی بوسیله Rockefeller Foundation بدست آمده است. این مؤسسات ضمناً بذور قابل ملاحظه ای برای ارزن، ذرت و سورگوم (Sorghomes) پیدا کرده اند که فوق العاده قابل ملاحظه است باید از اینها هر چه زودتر استفاده کنیم و اصولاً خودمان هم مرتباً در حال تحقیق باشیم تا بذور بهتری برای آب و هوای کشور خودمان بدست آوریم (مهندس اخوان - این کار را وزارت کشاورزی میکند) اینقدر اسام وزارت کشاورزی را برید تا تمام ارادتی را که بجناب آقای دکتر زاهدی دارم ناچارم این موضوع را عرض کنم بنده را دعوت کرده بودند به سازمان برنامه وزیر کشاورزی نطقی کرد که برای ما بسیار جالب بود میگفت برای اولین بار موفق شدم که نقشه خاک ایران را بشکافم و بیاورم آنچه بر مبنای مطالعاتیکه دره دوازده سال اخیر روی خاک ایران شده این مطالعات پراکنده بود جمع آوری کردیم و یک نقشه کلی خاک بوجود آوردم همانجائیکه من نشسته بودم و گوش میدادم به حرفهای دکتر زاهدی یاد یک دکتر Adams آدامز می افتادم که در آمریکا متخصص خاک بود، او میگفت این خاک را اگر ارزش برداشت بکنی بیست سال هم از نظر (Structure) عوض میشود حالا فکر بفرمایید هشت سال پیش از این دکتر زاهدی روی خاک یک مطالعاتی داشته و

انها را جمع آوری کرده و پیاده کرده روی نقشه و بر مبنای این نقشه خاک دستور داده بود که کودهای شیمیائی امسال بخش شود بنده خواستم عرض کنم جناب آقای مهندس اخوان این خاک اگر کشت رویش نشود تغییر میکند اگر کشت بشود نسبت بانواع کشت وضعیتش عوض میشود و نسبت به آبیاری و نسبت به تابش آفتاب و هوا و عوامل دیگر تابع تغییر و تحول است بنابر این این نقشه ها یک ایشان تهیه کرده اند از نظر علمی هیچ ارزشی ندارد فقط از نظر اینکه مطالعاتی را جمع آوری کرده اند بنده متشکرم و تشکریم بخاطر این است که دیگران که پیش از اینها بودند بقدر این نقشه ها بقتادند (مهندس ارفع - این نقشه ها را کی تهیه کرده؟) جناب دکتر زاهدی وزیر کشاورزی. جناب آقای نخست وزیر در گزارش شما انتظار داشتیم که بیشتر به ریز مطالعاتی را که در دست ما داریم بگویند که جناب آقای نخست وزیر اینجا دادند یک جوابهایی به سؤالاتیکه مطرح است میدادند و متأسفانه جوابی برای یک چنین سؤالاتی ندادیم. یک چنین سؤالاتی را آقای جانسن موقعیکه بودجه را تقدیم پارلمان میکرد جواب داده بود. این سؤالاتی مثلاً از این قبیل بود. تا بحال چه کارهای جدیدی شده است ما واقعاً بچق داریم بررسی از آقای نخست وزیرمان که از پارسال تا حالا در بخشهای خصوصی دولتی چه مقدار کار بوجود آمده؟ ما چنین آماری را نشنیده ایم و ندیده ایم (دکتر الموتی - در بر نامه چهارم هست) در بر نامه چهارم فقط بر نامه دولتی نان هست و فقط یک پروجکشن است و تحقیقی نیست ما کارهای یک سال گذشته را با آمار تحقیقی میخواستیم، میخواستیم بدانیم پروجکشنی در بخشهای خصوصی بوجود آمده؟ بر نامه چهارم شما پروجکشنی است که شما بر اساس آمار ناقص کرده اید و من آنرا یک پروجکشن ناقص میدانم. آمار تحقیقی را دلم میخواست بدانم، بنده میخواستم محققاً در آمد سالانه این مملکت را بدانم، در آمد سرانه ما در

منابع بین المللی گمانیکه آمارهای سازمان ملل مطالعه میکنند و استفاده میکنند میدانند در آمار بین المللی در آمد سالیانه ما را ۱۷۸ و ۲۱۰ دلار ذکر کرده اند و من میدانم که با این رشدی که ما داریم بکی دو سال داشته ایم حالا دیگر باید بالاتر از ۲۷۰ دلار باشد (مهندس صائمی - ۲۷۰ دلار است) ولی متأسفانه دستگاههای دولتی ما یک آمار به منابع بین المللی نمیدهند و این آمار جور و اجور در می آید. دلم میخواهد بعد از این آمار بدهند که در سال گذشته چند درصد تولید کسار ساعت یک کارگر ایرانی کنه در بخش خصوصی با دولتی کار کرده بالا رفته. اینرا من میخواهم بدانم، من و امثال من میخواهیم بدانیم که در این یکسالی که گذشته و یک بودجه هنگفتی در اختیار دولت گذاشتیم واقعاً چه مقدار کار انجام شده، چند درصد از مردم ما از فقر مطلق در سال گذشته نجات پیدا کردند نگوئید ما فقیر نداریم در آمریکا هم فقیر دارند با اینکه در آمد سالانه آنها ده مرتبه بیشتر از ما است ما نباید خجالت بکشیم خوب بود جناب آقای نخست وزیر می آید و یک چنین آماری را میداد اگر آمار ندارند بروید بودجه دستگاه آمار را زیاد کنید که سال دیگر بتوانید یک چنین آماری بدهید این بودجه ای که امسال برای آمارتان تهیه کرده اید ۲۰۹ میلیون ریال فوق العاده ناچیز است بنده دلم میخواستم بدانم بیکاری آشکارا و پنهان در اقتصاد ما چند درصد کاهش پیدا کرده جناب آقای نخست وزیر هم در گزارش خود تذکری راجع به این موضوع ندادند بنده معتقدم که جناب آقای نخست وزیر دستور بفرمایند یکی از کارمندان وزارت با موراقتصادی که با او اعتماد هم دارند برود یک کتابی است بنام

The Comrarative International Almanac که بوسیله آقایان Posner Ernst نوشته شده و در ۱۹۶۷ در لندن و نیویورک طبع رسیده است مطالعه نماید. در این کتاب با استفاده از آمارهای سازمان ملل یک آمارهایی ذکر شده که بنده از ذکر آنها با مقایسه ای که شده میگذرم فقط در این جا به چند مورد از آنها اشاره میکنم. در ایران جمعیت برای هر تکتی در چهارم است آنها آمار داده شده ۱۲۷۰۰ یعنی

هر ۱۲۷۰۰ ایرانی برایش يك تخت در مملکت ما وجود دارد و باید بعرض برسانم که تعداد این تختها در بافت ما نسبتش بطوری است که حتی با مقایسه با این آمار بنده از ذکرش خجالت میکشم مصرف کاری روزانه هر فرد ۲۰۰۰ است، درصد با سواد از ۱۵ سال بالا ۱۳ درصد است تعداد فارغ التحصیلان در ۱۰ هزار نفر یکی است تعداد تلفن در هزار نفر ۸ تا است مصرف سالیانه الکتریسته برای هر یک نفر ۱۰۰ کیلووات ساعت است بنده حتماً تقاضا دارم یک نفر را بفرستید این کتاب را مطالعه کنید بنده فکر میکنم راهنمای خوبی برای ما خواهد بود (مهندس ارفع - آقابابین هم اضافه بفرمائید که در امریکا بهر سه نفر يك انوموبیل میرسد ما نمیتوانیم خودمان را مقایسه کنیم با کشورهاییکه آنقدر سرمایه عظیم دارند و آنقدر جلو رفته هستند) جناب آقای مهندس ارفع خیلی متشکرم بنده در حضور شما عرض کردم که شما این کتاب را بخوانید نه اینکه با امریکا مقایسه بکنید بیج وجه (دکتر سعید - آقای ابراهیمی نه برای ۱۲ هزار نفر يك تخت نیست بلکه برای هر هزار نفر يك تخت هست برای اینکه ۲۷ هزار تخت است) خیر شما برای هر ۱۲۷۰۰ نفر يك تخت دارید و این آمار هم در سال ۱۹۶۷ طبع و نشر شده است (غلط است) پس آماري که سازمان ملل راجع به بهداشتی داده اید غلط است و بفرمائید درست کنید در خانه امیدوارم دولت در سال آتی نه تنها يك بودجه بهتر تنظیم کرده بخندم ساحت مقدس مجلس شورای ملی نماید بلکه نکاتی را که گوشزد شد دقیقاً مطالعه و نسبت برفع نواقص آن قسمت گمارد. بعراضم با عرض تشکر خاتمه میدهم (احسنت)

نایب رئیس - خانم جهانپایان بعنوان موافق صحبت میکنند، بفرمائید.

بانوجهانپایان - با کسب اجازه از ریاست معظم مجلس شورای ملی قبل از شروع عراضم در مورد بودجه اجازه فرمائید سالروز تاریخی هشتم اسفند را بمقارن با عید سعید قربان احسنت بمعموم ملت ایران تبریک عرض کنم (صحیح است) و موفقیت و قبول زیارت همه مسلمانان زائران خانه خدا را از درگاه احدیت خواهم (احسنت)

و تقارن این دو روز را با هم بفال نیک میگيرم، هشتم اسفند روز تساوی حقوق زن و مرد و بر خورداری زنان کشور از این نهضت تاریخی است که بنا به اراده توانای شاهنشاه آریامهر بزنان تفویض و مرحمت شده است (صحیح است) بروح آزاد زنانی که عمری را در این راه تلافی کردند درود میفرستم و ب همه مردم ایران تبریک میگويم زیرا زن رکن اساسی هر خانواده است (صحیح است) و همه خانوادهها از این موهبت برخوردارند - عالیترین نمودار و جلوه این موهبت عالی وجود مقدس علیاحضرت فرح پهلوی شهبانوی ایران است (صحیح است) معظم لها شبانه روز در کلیه امور مملکتی خاصه در امور خیریه نهایت توجه و سعی و جدیت را مبذول میفرمایند و همه مردم ایران مرهون و سپاسگزار مزاحم خاصشان هستند هم چنین والا حضرت شمس پهلوی در مورد شیر و خورشید سرخ که امروز مورد توجه همه مردم جهان است (صحیح است) و والا حضرت اشرف پهلوی در مورد سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی و سرکار علی بانو فریده دیباو خاندان جلیل سلطنت سر مشق جامع و بسیار عالی برای مردم ایران خاصه زنان کشورند (صحیح است) هم اکنون مازنان نیز بخاطر سیاستگرایی از این خدمت تاریخی علاوه بر رسیدن با مورخانواده و تربیت فرزندان در حزب ایران نوین در این مکتب سیاسی انجام وظیفه میکنند، باشد که سیاست مزاحم عالی آن شاهنشاه محبوب را بتوانیم بجا آوریم (احسنت)

واما بحث درباره بودجه، میدانم که کار بسیار مشکلی است صحبت کردن در این جلسه که اختصاص ببخش درباره بودجه دارد زیرا مخالف کوشی کار بسیار آسان و جالبی است و بحق گوئی تلخ است و بازاری ندارد اصولاً روحیه بشر اینطور است که همیشه طالب شنیدن مطالبی است که جنبه مخالفت داشته باشد با وجود این چه تلخ و چه شیرین تقاضای توجه دارم (احسنت) در دنیائی که بواسطه بحرانهای سیاسی و نظامی دنیا آنچنان دچار بحران اقتصادی شده که کشورهای مترقی و صنعتی بزرگ ناچار شدند در کشورشان قیمتها را بالا ببرند و با اینکه ظاهرأ بشر بگره ماه دست یافته هنوز مسائل بسیار بفریح نظامی و سیاسی در زمین خاکی

ما وجود دارد افتخار بر کشور ایران که توانست برهبری رهبر خردمند و عالیقدر خود شاهنشاه آریامهر که پیوسته برای اعتلاء ایران نهایت درجه سعی و کوشش را مبذول میفرمایند و با اجرای سیاست مستقیم ملی آنچنان نفوذی اعمال کنند که امروز در همه دنیا ایران مانند تاجی از جواهر بر تارک مشرق زمین مبدرخشد (صحیح است) بناید برای روشن شدن بیشتر پیشرفتها بصفحه ای از تاریخ نظر بیفکنیم.

بقول روزنامه وزیر نهای ایران نوین ارکان رسمی حزب مترقی ایران نوین اگر بگذشته نظر بیفکنیم و ببینیم که در دوره چهارم مجلس دولت وقت پس از مدتها تدبیر و مذاقه دو صفحه کاغذ بقطع وزیر بری تقدیم مجلس شرفی کرد و ب همه جهت صورت دخل و خرج کشور از نقدی و جنسی و مخارج وزارتخانه ها در آن نوشته شده بود و چاپ آن کمتر از يك صفحه روزنامه را با جدول پیدایی اشغال میکرد و مبلغ آن از حیث درآمد ب همه جهت از نقد و نسیه از ۲۶ میلیون تجاوز نمیگردد. نسیه از آن جهت گفته شد که فوئدالها که صاحبان املاک مزروعی بودند و باید مالیات جنسی بدهند آن مالیات جنسی را هم نمیدادند و با حساب سازی میکردند تا اینکه دولت مرکزی قدرت پیدا کرد و آن وضع دگر گونی یافت و در سایه امنیت، ثبات وضع سیاسی و اجتماعی و تغییرات و تحولات منجددانه و مترقیانه ای انجام شد. امروز واقعیت تاریخ ملاحظه میشود (طباطبائی) خانم جهانپایان برای که فرمایش میفرمائید رفا که همه رفته اند و بیم و برکت عمر در خشان پهلوی و خدمات ارزنده دولت حزبی بودجه تاریخ ۳۳۰۳۰۱۳۴۹۰۰۰ ریال تنظیم شده است و موازنه و تعادل دارد و این بیلان رمز سلامت بینة مالی مملکت است. بین تفاوت ره از کجاست تا یکجا (صحیح است) در طرز بودجه نویسی و تنظیم دخل و خرج مخصوصاً هزینه های مستمر هزینه های عمرانی و مقایسات و بر آورد ها در زمینه کارهای انجام شده بر نامه آئینده که بختاب آمده است توسعه و گسترش کارها بر مبنای انقلاب عمیق و اصلاح ایران که بانوسه امور اجتماعی همیشه حساب و ملاحظه اقتصادی شدت است اعجاب آمیز است.

کدامیک از ما بود چه هزار با خاطر نداریم نه تنها در آن دوران اقتصاد کشور تکلیفش معین نبود بلکه اقتصاد يك خانواده هم بیسایمان بود، مسلماً هیچ کشوری، هیچ دولتی هر قدر پیشرفته باشد از منقصت و عیب مبرا نیست. اگر بنا بود کارها بدون عیب و نقص باشد پس این همه سر و صدادر دنیا چیست؟ مسلماً در همه جا باید دولتها را راهنمایی کرد و پیشنهادهای لازم را بآنها کرد داد. باید دست بدست هم داده و مشکلات را حل کنیم زیرا پیش رفتن صدسال بر اثر انقلاب و جهش سوی ترقی مسلماً خالی از اشکال نیست، اصولاً در دوران انقلاب بودجه باید منطبق بر مبنای انقلاب و سیاستهای مهم سیاسی و صنعتی مملکت باشد. همه دستگاههای مسئول نهایت درجه سعی و جدیت برای پیشرفت و رسیدن باین جهش بزرگ دارند و خود را هماهنگ ساخته و میسازند ولی آنچه را که از برنامه های انجام شده دولت بنابر تخصص و اطلاعات و همکاری نزدیکي که دارم ۳۵ سال سابقه فرهنگی دارم و اینک از نزدیک مطالعه میکنم باید مشروحا بر عرض مجلس شورای ملی برسانم. سالیان است در راه فرهنگ خدمت میکنم و زحمات همکارانم را از نزدیک مشاهده میکنم و پیوسته شاهد و ناظر آنچه که انجام میشود در وزارت آموزش و پرورش هستم بنابر این بآنچه که در راه انقلاب آموزشی باین نامه های مترقی حزبی تا کتون صورت گرفته است کاملاً واقف هستم دستی از دور بر آتش ندارم در جنوب تهران زندگی میکنم با مشکلات مردم آشنا هستم و بیشتر تفهائی آنها را نیز میبینم ولی افتخار دارم شما بگویم حزب مادر در بر این نقاط شهر و دور افتاده تر بن مناطق خدمات اجتماعی و فرهنگی انجام میدهد (صحیح است) بهر حال ابتدا از وزارت آموزش و پرورش آغاز میکنم و کارهای انجام شده آن وزارتخانه را بر مبنای انقلاب آموزشی باستحضار مجلس شورای ملی میرسانم. بدون شك وزارت آموزش و پرورش تنها نقطه تخته است که همه خانوادهها بطور روزمره با آن سروکار دارند ببینیم آموزش و پرورش با بودجه ۱۶/۵۱۸/۴۴۵/۰۰۰ میلیارد ریال چه میکند و چه کرده است مسلماً لازمه هر تحول و پیشرفت و بشرف رسیدن بر نامه های انقلابی هم آهنگی ساختن کلیه سازمانها و دستگاههای اداری با خواستهای انقلابی است بدین

جهت همگام با اصلاحاتی که در شئون مختلف اجتماعی صورت گرفت ضرورت دگرگونی‌هایی در سازمانهای اداری حتمی بنظر رسید بهمین جهت پس از طرح برنامه‌های انقلابی و نشان دادن راههای مشخص و در اختیار گذاشتن همه امکانات ثبوت آن رسید که دستگاہهایی که سمت اجرایی این طرح‌ها را برعهده دارند و همچنین سازمانهای وابسته به آنها، شکلی مناسب روز بخود بگیرند و مقرراتی مطابق مقتضیات عصر و زمان داشته باشند. برای این منظور اصل سوم از اصول تکمیلی سه گانه، انقلاب شاه و ملت که همان انقلاب اداری و آموزشی کشور است جامه عمل پوشید. همانطور که شاهنشاه در جلسه افتتاحیه بیست و دومین دوره مجلس شورای ملی اشاره فرمودند و آن فرموده اینست که نمرکز بیدلیل و زیاده از حد مأمور در ریاست مملکت از میان بزود و به استانها و شهرستانهای کشور امکان ابتکار و مسئولیت بیشتری در کارهای مربوط به خودشان داده شود. حتی شایسته است تربیتی داده شود که در خدمت در نواحی مختلف کشور ما خدمت در ریاست و شهرهای بزرگ لازم و ملزوم یکدیگر باشند. چون در این مورد که باستحضار میرسانم مطالبی از طرف لیدر فراکسیون بان ایراست گفته شد راجع به مرکز نظارت و راهنمایی بردخل و خرج که اشاره بحزب اکثریت شد توجه ایشان را جلب میکنم که این مرکز نظارت و راهنمایی بر دخل و خرج مملکت مجلس است ولی حزب اکثریت با تقسیم اختیارات و خواستن مسئولیتهای غیر متمرکز و شناختن مسئولیت برای افرادی که در دستهای مختلف م کار می کنند مسلماً موافقت دارد اکنون بجهت وزارتخانه بطور نمونه این اختیار را داده است و توسعه و گسترش خواهد داد.

۱- اکنون مسئولیتهای اختیارات بشمار وزارتخانه بطور نمونه داده شده است و اینک بوزارت آموزش و پرورش توجه فرمائید.

در سال جاری وزارت آموزش و پرورش با الهام

از بیانات حکیمانانه رهبر فرزانه خود و برای تحقق بخشیدن به آرمانهای انقلاب، سمناری از مدیران و رؤسای کل آموزش تشکیل داد در این سمینار مشکلات جاری دستگاہها و عواملی که مانع سرعت و پیشرفت کارها بود مورد بررسی و مطالعه قرار گرفت معلوم شد نمرکز دستگاہهای اداری و زبانهایی که از این امر عاید مؤسسات دولتی میشود و اجراء و تحریک را از مسئولان و متصدیان مربوط میگیرد موجب نارضائی و دلشورگی غالب اداره کنندگان دستگاہهای آموزش و پرورش گردیده است نمرکز دستگاہهای اداری شاید برای زمانهاییکه مؤسسات آموزشی بچند مدرسه کوچک در هر شهرستان محدود میشد از لحاظ صرفه جویی و نظارت سودمند بنظر میرسید اما امروز اثر توسعه دامنه دایره که در امر تحصیل پیدا شده و هر شهری و روستایی میخواهد درس بخواند یا اینکه فرزندش را بمدرسه بگذارد و در حقیقت مردم مملکت از هر صنف و طبقه‌ای بنحوی با سازمانهای آموزشی اویابط دارند اینگونه نمرکزها که همه دستور از یک جا بگیرند و بانتظار حل تمام مشکلات از یک مقام واحد وقت بگذرانند دیگر نمیتواند جوابگوی نیازمندیهای جامعه امروز باشد کمترین ضرر نمرکز گذشته از اتلاف وقت و سرمایه، کندی کارها و عدم پیشرفتهای برنامه های انقلابی بود که میبایست هر کدام با سرعت تحقق یابند مقدار زیادی از وقت کسانی که باید بکارهای اصولی و اساسی پردازند در مکاتبات اداری بهدر میرفت و چندان نتیجه ای هم بدست نمیآمد نظر بهمین دشواریها بود که وزارت آموزش و پرورش موقع را مقتنم دانست اندر زها و راهنماییهای طراح عالیقدر انقلاب را وجه همت قرارداد و برفع این نقیصه بزرگ پرداخت و پس از بررسی دقیق مسائل و رعایت جوانب امر اختیارات بیشتری بمسئولان واحدهای آموزشی واگذار شد مسائلی از قبیل انتقال و استخدام معلمان صدور احکام مرخصی و مرزایا که هر کدام از آنها مدتها وقت متصدیان مربوط را می گرفت و موجب

کندی کار میشد و همچنین مشکلات دیگری نیز بدنبال داشت بعهده خود آنان واگذار گردید

۲- بی گیری و نظارت بجای بازرسی عدم تمرکز و استقلال بخشیدن به افراد موجب میشود بقدرت ابتکار و کاردانی آنان هر چه بهتر و کاملتر نمایان شود و تحریک لازم در پیش برد هدفهای انقلاب بدست آید. این شخصیت بخشیدن به متصدیان مربوط و بحساب آوردن ابتکار و تشخیص آنان باعث شدیست که سازمانهای بازرسی که قبلاً بر اساس محاسبه و ترساندن بقتیش پایه گذاری شده بود صورت اخلاقی تر و انسانی تر بخود بگیرد یعنی بجای آنکه بگردند و افراد خاطی را پیدا کنند و تقصیرهای این و آن را در پرونده‌های قطور گرد آورند در راه اصلاح بشویند و راهنمایی را هدف خود قرار دهند و بنابه این وظیفه تازه که پیدا کردن مشکلات و نابسامانیها و مبارزه با آنهاست این سازمان نام نظارت و پیگیری بخود گرفت افرادی از این سازمان بشهرستانها میروند دشواریها را از نزدیک میبینند علل نابسامانیهای اداری و آموزشی را در محل بررسی میکنند با معلم و شاگرد و سایر مسئولان اداری و آموزشی تماس میگیرند خلاصه اینکه همه کم و کاست‌ها را در همان سرچشمه و متن اصلی خود مورد توجه و بررسی قرار میدهند هدف اصلی از تشکیل چنین سازمانی آنست که خطاها و اشتباهها از همان مراحل اول خود دیده شوند و باصلاح آن بکوشند و بار راهنماییهای لازم از تجدید و تکرار آنها ممانعت بعمل آورند دیگر بازرسی با صورت که در مرکز بنشیند و خود را موظف بقضاوت در پرونده‌های خطا و اشتباه افراد بداند وجود ندارد.

اینک هیاتهای ناظران و پیگیران هستند که با همکاری افراد مسئول و غیر مسئول در هر شهرستان ریشه مشکلات را جستجو میکنند و دشواریهای حوزه‌های آموزش و پرورش را از میان میبرند نگار معلمان را ارزشیابی میکنند و علل پیشرفت و عقب افتادگی سطح معلومات و اطلاعات دانش آموزان را جستجو مینمایند.

۳- توجه بوضع دانش آموزان استثنائی توجه همگانی به امر آموزش و پرورش و اهمیت جهانی آن باعث شده که مراحل رشد و پیشرفت دانش

آموزان در هر گوشه‌ای از کشور دقیقاً زیر نظر قرار بگیرد در این ارزشیابی و سنجش که طبقه دانش آموز را شامل میشود مخصوصاً سعی شده است به آن دسته از دانش آموزانیکه وضع استثنائی دارند یعنی استعدادهای برتر یا فزونی تر دارند توجه کافی مبذول گردد زیرا با انبوه روز افزونی دانش آموزان کشور که بر سه میلیون و نیم نفر بالغ میگردد فهرت تعداد زیادی از این افراد از لحاظ استعداد و توانائی هم سطح با سایر دانش آموزان نیستند دانش آموزانیکه استعداد فوق العاده زیاد دارند در کلاسهای عادی نبوغ و قابلیت آنان بهیچوجه مجال شکوفان و توسعه پیدا نمیکند چنانچه با شرایطیکه در گذشته وجود داشت و این مغزهای مستعد چنانکه باید توجهی نمیگردد این استعدادهای عجیب بهدر میرفت در صورتیکه ممکن بود با تربیت صحیح آنان بک نایبه توانا و صاحب اندیشه برای جامعه خود بار آیند و همچنین دانش آموزانیکه رشد جسمانی و ذهنی آنان هماهنگ نیست و در تحصیل استعداد کمتری از خود نشان میدهند و به علی نمیتوانند همدوش با سایر همدرسان خود پیشرفت کنند باید بدون کشتن شخصیت آنان بقدرت استعدادهای در فرار گرفتن دروس و میزان توانائی آنان در امر تحصیل رسیدگی کامل شود این مسأله مهم که تا کنون بعلمت محدود بودن سطح آموزش و پرورش چشم گیر نبود و حتی بعنوان بک امر قابل رسیدگی در میان مسائل تربیتی و آموزشی خود را نشان نمیداد اکنون مورد مطالعه و عمل جدی قرار گرفته و برای اینگونه محصلان که هر کدام بنحوی مجرب و مبتنی را تحمل میکردند و در واقع قربانی تسامح و بی‌اعتنائی میشدند با دلسوزی و ابتکار چاره جوئی شده است و برای رسیدگی بوضع دانش آموزان استثنائی تشکیلاتی بوجود آمده و کلاسهای تربیت معلم برای مر بیان آنان دایر گردیده است.

وزارت آموزش و پرورش فعلاً در پشت نفر و اولی را در کلاسهای مخصوص تحت تعلیم قراردادده است این معلمان پس از دیدن چنین دوره‌ای و داشتن اطلاعات و ورزیدگی کافی خواهند توانست در چنان مرحله استثنائی و مشکلی انجام وظیفه کنند مسلماً از این پس دانش آموزان

استثنائی سهولت می‌توانند در کلاسهای مناسب با داشتن معلماتی مخصوص تحصیل خود ادامه دهند و از هدر رفتن و ضایع شدن شخصیت آنان جلوگیری خواهد شد.

۴- دوره راهنمایی تحصیلی

اقدام دیگری که در سال جاری موازات تحولات آموزشی کشور صورت گرفته و بمنظور بهره‌برداری هر چه کاملتر از انقلاب آموزشی تحقق یافته است افتتاح دوره راهنمایی تحصیلی است بدینال نظرهای اصلاحی و مترقیانه‌ای که از سالها پیش در امر آموزش پیرویش داده شده بود و دیگر گویهائی که لازم هر جامعه تحول یافته است ضروری نظر می‌رسید که همگام با سایر تحولات کشور در وضع برنامه‌ها و هدفهای تحصیلی تحولی عمیق و اساسی صورت گیرد صاحب نظران و کسانی که در این گونه مسائل تجربه و آموختگی داشتند با تشکیل کنفرانسها و جلسات متعدد طرح جدید آموزش را پیاده کردند بدین است چنین طرحی که باید پایه آموزش و پرورش را بر اساسی دیگر بنیان نهد و مسیر پیش و فرهنگ را برای دنیا پسند سوق دهد میبایست از سالهای اول بتدریج اجرا شود در حال جاری قدم اول برداشته شده و کلاسهای راهنمایی که نخستین مرحله پیاده این طرح است افتتاح گردید. مقصود از مرحله سه ساله راهنمایی که در برنامه‌های جدید تحصیلی پیش بینی شده افزایش معلومات عمومی دانش آموزان برای بهتر زیستن در اجتماع و پرورش فضایل اخلاقی و معنوی و مخصوصاً تشخیص استعدادها و تمایل فردی آنان در رشته‌های نظری و فنی و حرفه‌ای و راهنمایی آنان در مراحل بعدی تحصیل رشته‌های مختلف بر حسب استعداد و احتیاجات کشور میباشد.

افتتاح این کلاسهای راهنمایی یکی از مراحل مقدماتی طرح جدید آموزش و پرورش است که خواهد توانست آزمایش بزرگی را که آغاز شده است ارزیابی و تأیید کند و در تسهیل مراحل و قسمتهای دیگر مؤثر واقع شود. جناب آقای مهندس بهبودی راجع به تربیت معلم و کسر معلم و تعداد آنان و نحوه امتحانات مطالبی فرمودند

مسئله روزنامه را قرائت فرمودند زیرا این طرحی است که حزب اکثریت پیاده کرده و در روزنامه هاهم مندرج و منعکس شده است یعنی قرار است و در مذاکره هستند که امتحانات آخر سال را ترتیبی بدهند که در قسمتهای با کسکور ادغام شود، البته کار این طرح انجام شده و افتخارش با حزب اکثریت است. فرمودند در روزنامه نوشته شده تعداد شاگردان تربیت معلم ۵۰ نفر است، اینطور نیست تعداد آنها ۵۰۰۰ نفر است و با زهم استخدام شدند و علاوه ۳۶۰۰ نفر هم از سپاهیان دانش استخدام شدند تازه این پنج هزار نفر دختران هستند و اصولاً وزارت آموزش و پرورش از نظر معلم هیچ کسری نداشته است.

اقدام مؤثر دیگری که باز در همین زمینه صورت گرفته گسترش کلاسهای تربیت معلم و افتتاح کلاسهای تربیت معلم برای آن دسته از معلماتی است که تدریس نظام جدید آموزش و پرورش را بعهده میگیرند اهمیت برنامه‌های جدید ایجاد میکرد که معلمان قبلاً با اصول آموزش و پرورش تازه آشنا کردند و باور زدگی و تجربیات کافی بتدریس در این کلاسها پیدا کردند. تشکیل این کلاسها امکان خواهد داد که نظام جدید طبق باصول و با مطالعه کافی بمرحله عمل و اجرا در آید و معلم و شاگرد هر دو با محیط تازه تر و روش‌های اصولی تر برنامه کار خود را آغاز کنند.

اما راجع بکار معلمان فرمودند چرا وزارت آموزش و پرورش دبیر علوم کم دارد و معلمان علوم میتوانند در قسمتهای دیگر کار کنند بنده خواستم حضورشان عرض کنم که اولاً جای بسیار خوشوقتی است که اینقدر کار در مملکت پیدا شده که هر کس آزادانه هر کجا که بخواهد می‌رود اینک به بالا رفتن وضع اقتصاد کشور است اما در مورد وزارت آموزش و پرورش حق بود که بجای این فرمایش میفرمودند یعنی بهتر این است که این پیشنهاد را بنده بکنم که هر چه زود تر دانشگاه تربیت معلم باز کنند اصولاً وزارت آموزش و پرورش به بک چنین چیزی احتیاج دارد و آن دانشگاه تربیت معلم است برای اینکه همانطور که مکرر عرض کردم چندین سال جهش است باید این خلاء را پر کند تشکیل دانشگاه تربیت معلم بمنظور ترمز کردن فعالیت‌های تربیت معلم در تمام سطوح با بستن چنداناً انجام شود ۱۵ سال پیش اگر بک لیسانس به علوم میخواست

کار بکنند مجبور بود فقط در وزارت آموزش و پرورش کار کنند اما امروز خوشبختانه در بسیاری از جاهای ایران کار هست و این موجب خوشوقتی ما است مطلب دیگر که به آن اشاره شد مؤسسات تربیتی بود که گفته شد چرا در امر تربیت دقت بیشتری مینمودند و در بررسیها و مطالعات تازه سعی شده است تربیت و پرورش روانی و اخلاقی دانش آموزان مقصد بر کار تعلیم و آموزش قرار گیرد در گذشته موضوع بیسوادی و کمبود افراد تحصیل کرده که حتی سواد خواندن و نوشتن را به طرز مختصر داشته باشند باعث شده بود که قبل از هر چیز مسئله آموزش مورد توجه واقع شود و همه سرمایه‌های مادی و معنوی در این راه مصرف گردد گرچه اسمی از پرورش هم بود ولی عدم وسایل لازم برای رشد پرورش دانش آموزان و رسیدگی بمسائل تربیتی و روانی آنان موجب شده بود که موضوع پرورش در بوته اجمال بماند بی‌گمان مقدار زیادی از این بی توجهی فقر علمی و بیسوادی بود که گریبانگیر ملت ایران بود و این نقطه سیاه و تاریک همه نظر ها و همتهارا بخود مطوف میداشت خوشبختانه با تحول بیسابقه‌ای که در امر آموختن پیش آمده است میتوان گفت بیسوادی دیگر مسأله روز نیست (صحیح است) و اکنون نوبت آن رسیده است که در تمام آموزشگاهها و با تمام امکانات از کودکان تا مراحل تحصیلی بالاتر بمسئله پرورش و تربیت دانش آموزان حق تقدم داده شود. وزارت آموزش و پرورش برای این منظور کدهای اولیه را برداشته است از کلیه امکانات استفاده کرده مثلاً تشکیل شوراهای پرورش در هر شهرستان و بررسی عوامل و عللی که میتواند در پرورش روحی و فکری و بدنی جوانان مؤثر باشد از جمله اقداماتی است که بدین تشایح سودمند بسیار خواهد آورد با یطالاد روح تعاون و همسنگی و همکاری دانش آموزان و گذاشتن وسایل پرورشی کافی در اختیار آنان با راهنماییهای صحیح از ام اقداماتی است که تا کنون صورت واقع بخود گرفته و با در بعضی موارد مقدمات آن فراهم شده است در اجرا این هدف سازمانهای آموزشی موفق شده‌اند با ایجاد مسابقه‌های علمی و هنری و ورزشی رقابت سالم بین آموزشگاهها ایجاد

کنند تا بدین وسیله استعدادهای نهفته دانش آموزان را بیدار سازند همچنین به مسأله ورزش در مدارس و اجرای مسابقات ورزشی بادی دیدی تازه تر و از زنده تر توجه شده است از این پس کوشش خواهد شد با علاقه و استعدادی که دانش آموزان به امر ورزش نشان میدهند در هر آموزشگاه زمین و دیگر وسایل ورزشی و مربیان کار آزموده در اختیار دانش آموزان قرار گیرد مقرر شده است هر آموزشگاهی از سال آینده برای خود زمین ورزش آماده کند بی‌گمان نبودن و سیایل کافی در گذشته سبب شده است که ذوق و استعداد جوانان ما و نیز نیروی بدنی آنان با همه آمادگی و علاقه‌ای که از خود نشان میدهند رشد و نفع لازم را پیدا نکند این نقیصه بزرگ بخدا کافی امروز مورد توجه واقع شده و ورزش در آموزشگاهها از صورت گذشته بیرون خواهد آمد. خانه‌سازی برای معلمان: دیگر از اقدامات مهمی که صورت گرفته تأمین مسکن برای معلمان است بتحقیق نمایندگان محترم اطلاع دارند که معلمانیکه از نظر مسکن در مضیقه‌اند هرگز خیال راحت ندارند هموارونگران جا و مکان خوشبختند و تاگزیر مقداری از حقوق اندک خود را بمصرف کرایه منزل میرسانند بنا بر این وزارت آموزش و پرورش در اجرای منویات ملوکانه که همواره تأمین رفاه و آسایش خاطر معلمان را توصیه میفرمایند برای رفع این مشکل با اقدامات اساسی دست زده‌است و از راههای مختلف کوشیده است خانه‌های ارزان قیمت به اقساط طویل‌المدت که متناسب با حقوق معلمان باشد فراهم نموده در اختیار آنان بگذارند مطمئناً تأمین خانه و محل زندگی موجب خواهد شد معلمان با دلگرمی بیشتری انجام وظیفه کنند و از خانه بدوشی نجات یابند. این بود گوشه‌ای از اقدامات تازه‌ای که در وزارت آموزش و پرورش با الهام از انقلاب شاه و ملت انجام گرفته است. نمرات این طرح‌ها و کارهایی که آغاز شده است بزودی نمایندگان محترم ملاحظه خواهند فرمود هر روز که میگذرد سازمانهای آموزش و پرورش کام نازم‌ای به جلو بر میدارند با برنامه‌های انقلابی خود را همگام تر میسازند برای اینکه اهمیت کارهای انجام شده در این دستگاه بهتر روشن شود.

که هر چه داریم از وجود مقدس معظم له است امر بتشکیل مدارس دولتی دادند که از مهمترین خدمت ارزنده آن زاد مرد بزرگ تاریخ است یعنی سواد برای همه اما پس از آنهمه بزرگ سعادتهای متأسفانه جنگ جهانی دوم آغاز شد و مثل همه دنیا سایه شوم جنگ بر سر ما نیز افکنده شد و مدارس ما نیز از اثرات شوم جنگ مصون و محفوظ نماند و شما میدانید در آن روزهای سیاه که هر روز مدارس را تعطیل میکردند و در کوجه و بلزار راه مباحثه داشتند در آن روزهای سیاه که جوانان معصوم ما را بدون اراده بخیا بانها میبردند و ملی مدارس ملی که اختیار بیشتری داشتند اجازه ندادند که يك شاگرد از مدرسه بیرون برود و در این کارها شرکت داشته باشد آنها فقط و فقط به عشق وطن و به عشق دیدن روی شاه انجام وظیفه میکردند و میدانستند که شاهنشاه ایران برای این کارها فکری خواهند کرد (احسن) میدانستند اعتماد و ایمن داشتند که موقوفیت شاهنشاه است (صحیح است) در باره مدارس ملی و همانطور که فرموده اید بنده هم مدرسه ملی دارم و افتخار دارم، یکسال است که در اینجا صحبت میشود ولی من هرگز نخواستم در صدد جوابگویی بر آیم چون بدشانی من این بود که خودم هم مدرسه ملی داشتم نمیخواستم عرض بکنم (بکنم از نمایندگان - شما خدمتگزار هستید) متشکر مولى شخصی عرض نمیکنم. مطلب مربوط به مملکت است میخواستم خدمتتان عرض کنم که هرگز نباید خدمت گزاران را مأیوس کرد. هرگز نباید نسبت به خدمتگزاران طوری صحبت کرد مثل اینکه از يك دزد صحبت میکنند یعنی مدتی است هر وقت مطلب بدی بمیان میآید بکنی هم از طرف شما داد میزند مدارس ملی را بگو، این صحیح نیست آقایان این درست نیست آقایان اجازه بفرمائید حضورتان عرض کنم مدارس ملی بیشتر از آن فرهنگ مملکت هستند مدارس ملی در همان روز کار سیاه که شاید بعضی از شما هنوز تحصیل میفرمودید به خدمتگزارى مشغول بودند من خودم ۱۵ سال از مدت خدمتم را در سهراخانه آنادیاس دارم مثل باسیان ۱۵ سال مبارزه کردم با ارتجاع سیاه و شرح مبارزه کردم و ۴۰۰۰ دختر دانش آموز آزاد از مدرسه ام بیرون آمدند و از مدارس سایر همکاران من نیز آزادانه بیرون آمدند و ما نگذاشتیم

با آنها يك كلمه کسی حرف بز ندو با مانع پیشرفت شود در صورتیکه ما در موقیعت سختی زندگی میکردیم ولی ما این کار را کردیم و فقط امیدمان به شاهنشاه بزرگ بود میدانستیم شاه جوانبخت ما بیدار است منتظر امر و وز بودیم و خوشوقتیم که زنده ماندیم و امروز ایران را در سایه شاهنشاه دیدیم با پیشرفتهائی در خشان. اما در روز دوم نفر از آقایان که لزومی ندارد اسم ببرم همه میدانند فرمودند این مدرسه ها به انگلیسی درس میدهند بنده نفهمیدم خوب شاید بنده نفهمم و یا هنوز فهم بنده بآن میزان نیست اجازه بفرمائید حضورتان عرض کنم کدام مدرسه به انگلیسی پرسشنامه میفرستد بخانه ها اگر شما شخصاً بمدارس خارجی مراجعه میکنید بخواه مربوط است شما که بمدارس ایرانی تمیایید اجازه بفرمائید عرض کنم تازه با آنها مخالف نیستم در يك کشور دموکراسی همه وسائل مردم خاصه در امر تعلیم و تفریح باید وجود داشته باشد چرا برای بالارفتن سطح دانش دلوسوزی میکنید خرج در راه دانش که دلوسوزی ندارد دلوسوزی برای اقتصاد مملکت بکنید برای لوکس پوشی بکنید برای کارهائی بکنید که نصف پول خانواده در آنجا خرج میشود چرا با دولت همکاری نمیکنید دولت شمار برای لوکس فروشی و کارهای لوکس است که دارد شدیداً مبارزه میکنند و این حزب ایران نوین است که افرادی بالو کس پوشیدن و لوکس خریدن مبارزه میکنند (صحیح است) چرا الباس از پارچه انگلیسی نتان است؟ مثل من پارچه مقدم بیوشید پارچه وطنی بیوشید (احسن) حالا اجازه بفرمائید يك رمز بزرگی هست که هنوز برایتان نگفته ام (عده ای از نمایندگان - بفرمائید) تمیادانم بگویم بنا نکویم (بفرمائید) اگر مایل باشید بگویم عرض کنم گفته شد چرا مدارس ملی باید آنچنان باشد که شاگردان همه در کشور قبول شوند و این را دلیل ضعیف بودن فرهنگ ما دانستند اما اینطور نیست من حالا روشن میکنم من میدانم آقایان آن موقع مشغول تحصیل بودند اجازه بدهید ما ۱۰-۱۲ ساعت حرفهای شما را گوش کردیم بکریع بیست دقیقه هم حرف ما را گوش کنید از موقیعت وزارت آموزش و پرورش شروع بکار کرده تا حالا همانطور که عرض کردم ایمان دارم که اینها را میگویم منکه بخاطر وزارت آموزش و پرورش اینها را نمیگفتم اگر ایمان نداشتم مجال بود این کار را بکنم عضو

هر حزبی که بودم اگر صحیح نبود نمیگفتم من ایمان دارم بخیریم (احسن) اما وزارت آموزش و پرورش سطح فرهنگش پائین نیامده کولتورش پائین نیامده بلکه بالا رفته اما خواهد گفت پس چه شده این فرق بین مدارس ملی دولتی از نظر دانش چیست؟ الان برایتان خواهیم گفت دقت بفرمائید بنده نه آب میخورم نه معطل میشوم ولی دارم میخواهد اینطور می معطل شوم شما سالهای قبل از ۲۸ مرداد ۳۲ یادتان نیست؟ یادتان است اگر یادتان است میدانید سالهای ۲۵-۲۶-۲۷ ما چه کردیم اگر میدانید حالا عرض میکنم آنها که در روز ۹ اسفند رفتند برای شاه افتخارند و گفتند شاهنشاه ما را ترک مکن آنها کی بودند؟ همه ملت ایران بودند ما هم همراهشان رقتیم اما برای ما يك اثر بزرگ وجود دارد که شاید برای ما زنها خیلی تکان دهنده است و برای همین است که الان من راجع به هشتم اسفند صحبت میکنم من هرگز یادم نمیرود روزی که در کاخ مرمر همه ما را صدا کردند پنجره کاخ مثل پنجره امید باز شد شاهنشاه ظاهر شدند و اینطور فرمودند: شما زنان تساوی حقوق میدهم بروید با مردان کار کنید و همین است که امروز من با شما صحبت میکنم میخواهید ما چگونه رفتار کنیم با این شاهنشاه؟ چقدر او را دوست داشته باشیم؟ چقدر آرزوی خدمت بوجود مقدسش را داشته باشیم؟ چقدر ارادت داشته باشیم صدیور این آنچه که فکر میکنید یا هزار برابر آنچه که فکر میکنید گوش بدهید من خیلی بفرهای شما گوش دارم تا جدی که تا صبح خواب نبرد (احسن) گوش بدهید مدارس ملی دور هم جمع شدند و گفتند حالا که خداوند شاهنشاه ما را باری کردند حالا که وضع سیاسی مانثبیت شد حالا که خداثبیت کرد سیاست مملکت ما را ما هم وضعی بوجود میآوریم که مردم از بخارج از کشور برای تربیت فرزندان شان ندهند و از این خدمات شایسته خواهیم کرد (احسن) ملاحظه بفرمائید اینست آن رمزی که آنرا عیب میدانند یعنی سطح فرهنگ برادر مدارس ملی بیایه ممالک خارج رسانیدیم تا از مملکت در مملکت بماند و پول ایرانی بجزیب بیوفتی برود عیب اینکار چه است اگر؟ تا مدرسه انگلیسی

درس میدهند در بدهند این عیبی ندارد بگذارید بمدارس ایران کار کنند و جفا افتخار باشد این فرهنگ است پس این مدارس ملی هستند که سطح فرهنگ را بحدار و پیاو را بکبالا برده اند وضع درسی خودشان را موازنه داده اند با مدارس دنیا این وظیفه وزارت آموزش و پرورش نبوده این خطه مشی و برنامه مدارس ملی بوده که این مسیر را طی کرده اند این مربوط به فرهنگ ملی شما هست که خودش زاندر پایه ای رسانده که خود بنده فرزند را از خارج آوردم گذاشتم در دانشگاه ملی تحصیل بکنند چرا اینکار را نکنیم؟ اولاً بکنم مخارجی را بپذیرم که در خارج میبرد اختم تا اینا در مملکت خودم بچهارم تحصیل میکنند تا این افتخار است که بپول را برای میدهم بود چه در ایران میدهم من نفهمیدم کجای این کار عیب دارم من که نفهمیدم اگر در بود چه حرفی نیست که زده بشود خوب حرف نزنید اما چرا باید اگر در بود چه حرفی نیست و خوب تنظیم شده باید با خدمتگزاران و اقمی مملکت اینگونه رفتار کنیم (بکنم) از نمایندگان - وزیر علوم بسیار خوب کار میکنند بآن هم میروسیم اما بنده میخواهم خدمتتان عرض کنم این توجه را داشته باشید باز تکرار میکنم اگر تاریخ و زمان را درک نکردید بنده آن کسی هستم که پشت تزیبون اقرار میکنم امسال شصت سالم است و چهل سال است که خدمت میکنم اگر شما درک نکردید بنده زمان را درک کردم من نمیخواهم مطلب شخصی بگویم چون جایش اینجا نیست اینجا جای مطالب عمومی ملی و مملکتی است مطلب شخصی را حق ندارم بگویم و الا چهار ساعت هم در باره مطالب شخصی صحبت میکردم شما با نمیدانید و با اگر میدانید اجازه بدهید حضورتان عرض کنم که مدارس ملی مشعلداران تمدن ایران بودند مدارس ملی آمدند و شروع بکار کردند و همگام با مدارس دولتی شروع کردند و فرمایش شما پائین تر بود آید بعدها کم کم در این مواقع خودشان را ترقی دادند بعد تصمیم گرفتند کاری بکنند که در دوران انقلاب جوانان ایرانی شاگردان ایرانی اکثر آذربایران تحصیل بکنند حالا دیگر شما در صد بیشتر شاگرد ندارید که بخارج از ایران بروند و با روبا بفرستید دو سال دو سال قبلاً در مدارس ملی ثبت نام میکنند این وضع برای این پیش آمد اما من در يك مورد با شما همصدا هستم شاید يك عده ای باشند که داخل ما شده

۱

باشند (بکنفر از نمایندگان - اعتراض ماهم بهمین عده است) آنرا هم روشن میکنم اجازه بفرمائید حزب مترقی ایران نوین که وزیر آگاه آموزش، پرورش آن که جزو هیأت اجرائیه این حزب هستند و همچنین باعث افتخار ما زنها هستند (خانم بزرگ نیل - صحیح است) ایشان اسانامه‌ای برای مدارس ملی تدوین کرده‌اند که بزودی از شورای عالی آموزش و پرورش خواهد گذشت در این اسانامه که تدوین فرموده‌اند منافع مردم و مدارس ملی بهترین نحوی تأمین شده هم چنین اگر ناباشد به این قبیل مدارس کمک‌هایی بشود بر اساس معیارها و ضوابط معین خواهد بود آذاره‌ای هم برای اداره مدارس ملی بوجود آوردند و بطور کلی کاملاً اداره مدارس ملی را در دست گرفته‌اند این را خدمتتان عرض کنم اولاً تصور نفرمائید چون من مدرسه ملی دارم این را عرض میکنم خدا شاهد است و خدارا گواه میکنم اگر مدرسه ملی هم نداشتیم بنا بوظیفه‌ای که دارم قطع دارم که همین مطالب را اینجا میگفتم از نظر تاریخ میگفتم این بود مطالبی راجع بمدارس ملی اما در دو سه مورد راجع به آموزش و پرورش پیشنهاداتی دارم یکی راجع بتربیت معلم بود تقاضا میکنم این قسمت را توجه بفرمائید در حزب ایران نوین در کمیسیون تخصصی بقرض رساندم و موافقت دارند باین مطلب توجه بفرمائید دو کلاس دانشسرا دارید این را سه کلاس بکنید زیرا که شاگردان تربیت معلم شما يك قسمت آنهایی هستند که شاگردان مزدود از دانشگاهها هستند اینها معلم نخواهند بود اینها در دانشگاهها قبول نمی‌شوند یکسال می‌آیند آنجا در حقیقت پلی است برای قبولی دانشگاه اینها معلمین قطعی شما نیستند معلمین قطعی شما آنهایی هستند که سه سال در دانشسرا تحصیل خواهند کرد از حیث بودجه هم صرفه جویی خواهد شد مطلب دوم را که جناب سرور را کتر عاملی هم اشاره فرمودند (بکنفر از نمایندگان - سرور بان ایرانیست ها هستند) بنده برای ایشان احترام بسیاری قائم ایشان راجع به مدارس استیجاری بحث فرمودند بنده از ایشان هم بیشتر میخواهم بگویم و اقامت محل مدارس دولتی ما با تحولاتی که شده مطابق نیست باید ساختمان بشود شما بیاید برای ایران مان

همه جا نمثل آن آفائیکه میفرمودند خانه‌تان، نقتان، مدرسه‌تان، نه، نه، مدرسه‌تان، نعمتان، بگوئیم خانه‌مان همه چیزمان مدارس مان در ایران بایستی دوباره ساخته بشود با اگر محل استیجاری است ساختمانش دوباره ساخته بشود منظور من این است که از محل بیش از ده میلیون اعتباری که دارید از يك بانک بزرگ یا هر جا خودتان میدانید وام طویل‌المدت نگیرید و با این پولها مدرسه بسازید جا بسازید چه لزومی دارد هر سال این مبلغ را در بودجه میگذارید من میخواستم دیر و زحرفی بزخم دل میخواستم آقابانی که اسم مدرسه میس مرخا بردند اسم دو مدرسه دیگر را میبردند بکنش اسم دو مدرسه جنوب شهر را میبردند (مهندس بهبودی - در جنوب مدرسه بنام شاه درست میکنند در شمال اسم مدرسه را میس مری میگذارند) این مدرسه ها همه شان اسم فارسی دارد اسم شاه هم همه جا موجب افتخار است هیچوقت وزارت آموزش و پرورش نمایابد در شورای عالی يك امتیازی بدهد به اسم میس مری یعنی مدرسه مریم خانم اینکه مسخره است يك کسی امتیازی بنسب اسم میس مری بدهد (اسم مدرسه بهار نواست) (پزشکپور - من حاضر شم شمارا ببرم نشان بدهم) از حمت تکشید بنده میدانم که اسمش بهار نواست مطلب دیگری که تذکر میدهم حالا که اعتبارات شما استانی شده است از افرادتان برای آموزش استفاده نکنید آموزش، آموزش، باز هم آموزش افراد وزارت آموزش و پرورش باید در کلاس بروند اینقدر عضو زیادی نکه ندارید (صحیح است) بنده راجع به وزارت علوم مطالب زیادی عرض نمیکنم البته چون خسته‌تان کردم یکسال پیش در همین روزها بود که بمجلس شورای ملی قانون تأسیس وزارت علوم و آموزش عالی را بتصویب رساند و این وزارتخانه رسماً آغاز بکار کرد

همانطور که همکاران عزیز اطلاع دارند فلسفه تأسیس و بوجود آمدن وزارت علوم و آموزش عالی توجه خاص شاهنشاه آریامهر بمسائل آموزشی در سطح عالی بوده است

شاهنشاه آریامهر در تاریخ بیست و چهارم ماه ۱۳۴۶ بهنگام اعلام اصل ۱۲ انقلاب شاه و مردم فرمودند: هدف اساسی تحولات آموزشی میباید این باشد

که شخصیت جوانان و اصل اعتماد به نفسشان از هر جهت تقویت شود تا افرادی که آینده سر نوشت کشور را بدست خواهند گرفت برای قبول مسئولیت‌های خود واقف آماده و مجهز باشند

باتوجه باین قسمت از بیانات رهبر بزرگ و آزاد اندیش ایران و همچنین فرمایشاتی که معظم له در موارد متعدد بپیرامون هدفهای انقلاب آموزشی ایران ایراد فرموده‌اند، بخوبی میتوان با رسنکین و ظایف و مسئولیت‌های وزارت علوم و آموزش عالی را احساس کرد اکنون بطور مختصر نظری بگویم که در وزارتخانه تهران البته از نظر تعداد کادر اداری آن بیندازیم زیرا در کوچکترین وزارتخانه‌ها بزرگترین اقدامات فرهنگی بعمل می‌آید که اکنون بودجه آن بالغ بر ۱۸۴۵۰۰۰۰۰ ریال است

وزارت علوم، همانطور که بارها نیز وزیر علوم اظهار داشته است، اگر کوچکترین وزارتخانه جهان نباشد مسلماً یکی از کوچکترین وزارتخانه‌های ایران بشمار میرود، و این را میتوان از کادر محدود و بودجه کمی که در اختیار دارد استنباط کرد اما بهر حال محدود بودن کادر و کمی بودجه آن مانع از آن نشده است که این وزارتخانه وظایف خود را به بهترین نحو و با دقت و حوصله انجام دهد

مثلاً دقت و ابتکار مدیران مشغول این وزارتخانه موجب گردیده که در سال گذشته وزارت علوم از نظر مشورتی بکهارزده هفتصد مشاور و کارشناس و متخصص امر آموزش استفاده کند بدون آنکه حتی يك دینار بعنوان دستمزد یا حق‌المشاوره به آنان پرداخته باشد

صرف‌نظر از موفقیت‌های قابل توجهی که مسؤولان این وزارتخانه در ایجاد تشکیلات اداری خود داشته‌اند باید گفت که موفقیت اصلی و بزرگ وزارت علوم و آموزش عالی در انجام وظایفی بوده است که منشور کنفرانس رامسر میده این وزارت گذاشته است

یکی از اساسی‌ترین وظایفی که در این زمینه بمعهد وزارت علوم گذاشته شده است مسئله نظارت بر کار دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و همچنین طرح ریزی آموزشی در سطح عالی میباشد

نظارت بر کار دانشگاهها وزارت علوم در مورد مسأله شهریه بعمل آورد در حقیقت گامی بزرگ و قابل توجه بود که در راه اجرای دو اصل اساسی منشور انقلاب آموزشی برداشت، بروی همه آنها که در امتحانات ورودی توفیق بسافته‌اند باز شده است و از سوی دیگر آنها که توانائی مالی دارند شهریه خود را میبردارند و بدین ترتیب سهم خود را در تلاش ملی که بخاطر بهبود وضع تعلیمات مملکت آغاز گردیده ایفا خواهند کرد

اقدام دیگر وزارت علوم و آموزش عالی که با الهام از نظریات شخص اول مملکت در مورد بیمه دانشجویان و همچنین تأمین بهداشت دانشجویان دانشگاهها صورت گرفته در حقیقت گام مفیدی بوده است که برای تأمین و راحتی خیال دانشجو برداشته شده و این امکان را به دانشجو میدهد که با فراغ بال و آسودگی خاطر از گذراندن حوادث و بیماریها بدرس و کتاب خود بپردازد. بان تشکیل شورای عالی ورزش دانشگاهها مرکب از عده‌ای افراد متخصص و علاقمند بامر ورزش یکی دیگر از اقدامات خوب و قابل ستایش وزارت علوم است زیرا با توجه خاصیکه شاهنشاه آریامهر بامر ورزش مخصوصاً در میان جوانان و دانشجویان دارند، تشکیل این شورا باین نامهای وسیعیکه برای آن پیش بینی شده، گسامی است که در راه تعمیم سلامت روح و جسم دانشجویان این مملکت برداشته میشود

با وجودیکه در این زمینه میتوان مطالب فراوان و زیادی گفت اما برای جلوگیری از اتلاف وقت همکاران گرامی وارجمند، که سرگرم رسیدگی به لایحه بودجه کشور هستند از اطاله کلام خودداری میکنم و باین معامله بفرایض خویش خیانته میدهم که موفقیت وزارت علوم و آموزش عالی در انجام و اجرای مفاد منشور انقلاب آموزشی

ضامن سعادت و خوشبختی نسل جوان مملکت است به تسلی که خواهی و نخواهی فرامد بر بٹ و گردش چرخهای اقتصاد و صنعت مملکت بدهد آنان است.

اماد باره شیر به دانشجویان ابتجا مطالبی گفته شد که بنده موظف مطالبی را با حضراتان برسانم گفته شد که از دانشجویان پول میگیرند، گفته شد که دانشجویان وقتشان به سفته پر کردن تلف میشود، گفته شد از این قبیل مطالبی که برایتان عرض میکنم بنده میخواستم این مطلب را روشن بکنم استدعا دارم توجه فرمائید دانشگاههای دولتی در موقع نام نویسی اصولاً بدانچه نمیگویند پول بپردازد دانشجویان در ۴ نوع قسط پول خود را بپردازد دانشجویی که متمول است توانائی دارد میآید پول چهار ساله اش را یکجا میدهد دانشگاه هم ۱۵ درصد باو تخفیف میدهد دانشجویی که سال سال پول میدهد دانشگاه پنج درصد شهریه را باو تخفیف میدهد دانشجویی که ماهی ماه پول میدهد دانشگاه شهر به معمولی را از او میگیرد و اگر مایل بود از حقوق پدرش یا خودش شخصاً توسط بانک بپردازد دانشجویی که قدرت مالی ندارد و میخواهد شخصیت او حفظ شود بمیل خودش میتواند پول بدهد برای دانشگاه که من تحصیل مرا میکنم وقتی که تحصیلات تمام شد کار پیدا کردم حقوق گرفتم هر مبلغی که قدرت و استطاعت اجازه داد شما در ماه یا در سال میپردازم و دانشگاه این چهار قسم دانشجویان را روی چشمش میباید برده نفهمیدم عیب اینکار در کجا است (بزرگشکویور - عینش این است که شما دانشجویان را وادار میکنید که در زمان تحصیل بیاید اثبات بکنند که تدار است) اجازه فرمائید عرض کنم آنگه حتی از دانشجویان سؤال نمیشود بنده افتخار دارم در دانشگاه صنعتی آریامهر عضو هیئت امنا هستم ابتدا شخصیت دانشجویان را باین نامیا ورنه فقط دانشگاه اعلام میکند این هیچ ایرادی ندارد مگر این مطلب باشد که بگوئیم که اصلاً چرا دانشگاهها ملی باشند این مطلب دیگری است باز بنده باید عرض کنم خدمتتان که باید دانشگاه ملی داشته باشیم باید استاد در دانشگاه ملی بیاید درس بدهد باید سطح فرهنگ در دانشگاه ملی را بالا ببرد باید دانشجویان شاگرد از همه

دنیا با آنها مراجعه بکنند (یکنفر از نمایندگان - پس کمکی که شهبانو به دانشگاه فرمودند چه بود؟) ممکن است از وزیر علوم بیروید اولاً علیحضرت شهبانو میتوانستند هر کمکی به هر جا که بخواهند بفرمایند و کمک هم میفرمایند خاصه در مورد دانشجویان میدانید که علیحضرت شهبانو چقدر وقت صرف امور خیریه میفرمایند و تاجه اندازه مراقب کلیه اوضاع مملکتی هستند هر جا لازم بدانند کمک میفرمایند لطفاً فرمائید نزد وزیر علوم سر با معاون پارلمانی ایشان و از شان بیروید که چگونه عطیه مرحمتی را خرج کردند و بچه مصرف دانشگاهها رساندند دانشگاههای ما بسیار منظم و خوب است و موجب افتخار ایران است که هر روز سطح فرهنگ و دانش بالا میرود ببخشید اگر از لحاظ حرفی سران در درآمد بسیار بسیار عزیز میخوام (احسن - احسن).

نایب رئیس - آقای مدرس: بعنوان مخالف صحبت میفرمائید، نشر بیابورد.

مدرس - جناب آقای رئیس، نمایندگان محترم بنده راجع بکارهای اداری وزارت آموزش اصلاحیال نداشتم صحبتی بکنم و با دداشتنای بنده هم راجع به وزارت آموزش و پرورش نیست به چند علت یکی اینکه چون کار اداری این وزارتخانه مهم در تخصص بنده نیست دیگر اینکه در دانشگاه تهران افتخار همدوره بودن با خانم فرخ رو بارسای وزیر محترم آموزش را داشتهام و اگر انتقادی هم باشد صحیح نیست که انتقاد را همشاکردی ایشان مطرح کند ولی فرمایشات سرکار خانم جهانیانی بنده را وادار به صحبت کرد (یکنفر از نمایندگان - چرا؟) بوی اینک ایشان مدیر مدرسه ملی هستند و بنده پدر شاگرد مدرسه که باید پول بدهم به مدارس ملی، ایشان تنها بقاضی رفقتند بنده هم از طرف اولیای شاگردان مدارس ملی به اینجا عراضی را میکنم از نمایندگان محترم اکثریت واقفیت و هر کسی که شاگرد مدرسه ابتدائی و متوسطه در مدارس ملی دارند و پول میدهند خواهش میکنم قضاوت کنند در اینجا بنده میگویم که بدون هیچ اغراق مطالب را عرض میکنم یکی از دوستان عزیز بنده که متأسفانه

هم مسلک هم نیستیم راجع به مدارس غیر ایرانی و غیر مسلمان که در اینجا فعالیت دارند صحبت کردند در سال ۱۳۳۸ دخترش ساله من که متولد ۱۳۳۲ است در یکی از همین مدارس اسمش را نوشتم (خانم جهانیانی - چرا دخترتان را آنجا فرستادید؟) چون کود کستان و مدرسه با هم بود و نزدیک منزل بنده بود يك روز آمد با آن لحن کود کانه اش صحبتی کرد که من دو چیز از آن استعجاب کردم یکی بوی توهین بعلت یکی بوی دیانت از همان روز بنده بچهام را از آن مدرسه برداشتم (خانم جهانیانی - چرا در اینجور مدرسهها میگذارید) صد ها هزار میگذارند و ایراد دوست من هم این بود که چرا اجازه میدهند که این جور مدارس در ایران دائر بشود اگر میل دارند بپند و موروث هست این بچه آمد صحبتی کرد و من تم لرزید حرفی بود که يك بچه نمیتواند بزند يك بزرگتر به او گفته بود و بچه آمد به من گفت اما راجع به پولی که این مدارس میگیرند همین دوست عزیز من آقای دکتر عاملی فرمودند هر نوع پولی که از اولیاء شاگردان مدارس بابت فرهنگت گرفته میشود تقریباً مالیاتی است (یکنفر از نمایندگان - چه جور مالیاتی است؟) عرض میکنم چه جور مالیاتی است بنده سال گذشته طبق اظهار نامه مالیاتی که نمیدانم آقایان چقدر دادند ۶۰ هزار تومان تعلق زدگی بنده بود که ۱۳ هزار تومان یعنی ۲۰ درصد آنرا پرداخت کردم به مدارس ملی یعنی این آقایان و خانمها (یکنفر از نمایندگان - برای چند نفر؟) برای چهار نفر (یکنفر از نمایندگان - چرا راجع به این موضوعات صحبت میفرمائید) بنده هر چیزی را که دلم خواست راجع به آن صحبت میکنم.

نایب رئیس - آقایان اجازه بدهید ناطق صحبتش را بکنند.

مدرس - عرض کنم این پول را بنده پرداخت کردم مجبورم بودم پرداخت بکنم چون جانی بود که نزدیک منزل بنده بود و مجبور بودم اسمش را آنجا بنویسم البته بنده زحمات سابق خانم جهانیانی را تقدیس میکنم و واقفان زحمت کشیدهاند در گذشته ولی بنده در اینجا راجع به مؤسسات ملی و بازار گانی صحبت خواهم کرد هر مؤسسه

بازرگانی البته اول يك مقدار ناراحتی دارد ولی رفتیکه روی غلطك افتاد منفعت آنها مثل الان میشود که سالی میلیونها استفاده میکنند همین دختری که الان از ش صحبت کردم با معدل ۱۶۰۵ درسه سال قبل در امتحان عمومی که وزارت آموزش و پرورش قبول شد و گواهینامه گرفت و گواهینامه اش در دست بنده هست او را بنده گذاشتم یکی از مدارسی که اختیار نسل آبنده بدست آنها سپرده شده سال هفتم معدلش ۱۵ شد سال هشتم ۱۴ سال نهم ۱۲ شد امسال که در سال دهم تحصیل میکند بفرم با مدیر با گردانندگان این مدرسه گه یکی از فرهنگیان قدیمی است گفتم این نقص بنده هست یا نقص شما؟ بیاید با هم صحبت کنیم نشستیم صحبت کردیم بالاخره گفتم آقا شما صلاحیت ندارید که من اختیار بچهام را شما بدهم از آنجا او را برداشتم گذاشتم مدرسه دیگری اگر میخواهید اسمش را ببرم بهر حال بنده از سر کار خانم یادسای خواهش کردم که يك دبیر ریاضی به تربت بفرستند بعلم اینکه رشته ریاضی آن امسال بعلم نداشتن دبیر ریاضی منحل شده و ایشان لطف کردند فرمودند هر چقدر میخواهید پول در اختیار شما میگذاریم که شما بگردید يك دبیر ریاضی پیدا کنید البته بنده نمیخواهم تقصیر را بگردن کسی بگذارم همیشه میروم دنبال علت موضوع بالاخره رهنم گشتم معلوم شد که دبیر ریاضی خودش را با دو هزار تومان باز نسته کرده و در همین مدارس ملی که در برابر دولت دستگیر رقابت باز کردهاند میروند با ماهی دوسه هزار تومان تدریس میکنند و ماهی هزار تومان هم از منحل تدریسات خصوصی گیرشان میآید که میشود در حدود شش هزار تومان مگر مرض دارد که برود تربت یا ۱۷۰۰ تومان بچه تربتی را تدریس بکنند بچه تربتی باید چشمش کور بشود در بیست وادی بنامند اگر پول دارد بیاید در این مدارس خیلی شیک ولو کس بنشیند درس بخواند حالا نمیدانم که آقایان این را قبول میکنند یا نه بهر حال بنده راجع به وزارت آموزش و پرورش هیچ حرفی نداشتم بزنم و این چند کلمه ای را هم که گفتم يك درد دلی بود که خاتم جهانیانی عقده را کشودند بر میگردم به مرض خودم و خیلی هم معذرت میخواهم فقط بنده

اینجا آقایان نمایندگان کارگران را مخاطب قرار میدهم میگویم آیا این وضع را میپسندند خوب است که این وضع برای بچه‌هاشان باشد و الا عرضی ندارم (پدرانی - ما بچه‌هايمان را مدرسه دولتی میگذاریم) مدارس دولتی نمیپذیرند چون جا ندارند (صادقی - بنده خودم برای دو فرزند ۲ هزار تومان دارم میدهم) بهر حال بنده نسبت به اقلیت و اکثریت خیلی خوشبین هستم همه را وطنپرست، شاهدوست خدایرست میدانم و تمام افراد این مملکت میباید دارند تا حدودی که میتوانند امکان دارند و تشخیص میدهند خدمت به مملکتشان بکنند و این را که بنده عرض میکنم هیچگونه خدشه‌ای در آن وجود ندارد و عقیده قلبی بنده است اینجارجماع به ابده ولو لژی حزبی صحبت شد معتقدات ما ایرانیان که زندگی چندین هزار ساله ما را تأمین کرده و توانستیم يك حیات طولانی داشته باشیم علاقه به وطن و گوش فرمان دادن شاهنشاه بوده است و هیت بنا بر این راه ما را اصول انقلاب شاه و مردم و فرمایشات ماو کانه سیاست ایشان روشن کرده و ما هیچ نداریم که اضافه کنیم و نمیتوانیم اضافه کنیم، اگر مطالبی عرض میکنم در مورد طرق زودتر رسیدن به هدفهای انقلاب است در مورد برنامه‌هایی است که خرجش کمتر باشد و مثلاً را زودتر بمقصود برساند و اختلاف سلیقه ما با اکثریت همین خواهد بود اگر جانی خرج زیاد میشود و راه طولانی و بيمصرف میرویم قطعاً همه نمایندگان محترم که اهل منطق هستند قبول خواهند کرد و هیچکس اجمال نخواهد کرد و در شنیدن بیانات منطقی تعصبی بخرج نخواهد داد بنده اصولاً ناطق نیستم و حرف زدنم خوب نیست بهم مسلکان عرض کردم که راجع به بودجه صحبتی نخواهم کرد گردانندگان محترم حزب که تصور میکنند بنده طی بیست سال خدمت در حاشیه یا متن مؤسسات بازرگانی دولتی تجربه‌ای دارم دستور دادند که باید حتماً این کار را بکنم بنده هم اوامر حزبی را قبول کردم چون سعی میکنم انضباط حزبی را کاملاً رعایت کنم البته جناب آقای هویدا که با ایشان هم افتخار همدوره‌ای در نظام وظیفه و همچنین با آقای خواجه نوری داشتم و یکسال هم وزارت دارائی کار مؤسسات مالی را در خدمتشان انجام

دادام بنده شاهد بودم که ایشان هر جا میدیدند خرج بیجهتی شده با اصلاح اخلاقی مدیر مؤسسه در نظرشان خدشه دار میکردید بدون هیچ ملاحظه و بدون اینکه فکر کنند که عضو حزب ایران نوبن است یا مردم اقدامیکه لازم بود میکردند بدلیل اینکه بنده عضو حزب مردم بودم هیچوقت بنده بی‌التفاتی نفرمودند و خیلیها عضو حزب ایران نوبن بودند وقتی مدارکی جلوی ایشان میگذاشتیم بسر نداشتی دچار میشدند که نمیبایستی دچار بشوند بنا بر این بنده اگر عرض میکنم فکر میکنم برای يك عده ایرانی علاقمند و وطنشان صحبت میکنم و امیدوارم توجه فرمایند و اجازه میخواهم با دداشتهای خود را از رو بخوانم چون عدد و رقم ممکن است اشتباه شود احساس میکنم آقایان نمایندگان خسته هستند و عرایض بنده ایشانرا خسته‌تر خواهد کرد بنا بر این سعی میکنم با دداشتها را بطور خلاصه و سریع بعرض برسانم (احسنت) اولین رقمیکه در بر آورد هزینه‌های سال ۴۸ سازمانهای انتفاعی و مؤسسات بازرگانی دولتی جلب توجه میکند افزایش هزینه‌های اداری این مؤسسات بمبلغ ۱۴ میلیارد ریال نسبت به هزینه‌های اداری این مؤسسات در سال ۱۳۴۷ میباشد توجه میفرمائید یعنی يك میلیارد و چهارصد میلیون تومان هزینه‌های اداری این مؤسسات اضافه است نسبت بسال گذشته حالا يك قدری تجزیه و تحلیل کنیم تا بدانیم این پولها چقدر و چگونه خرج شده است ابتدا برای استحضار نمایندگان محترم باید بعرض برسانم دستگاههای وابسته بدولت که تابع قانون استخدام نیستند و از قانون محاسبات عمومی هم بیرونی نمیکند بر حسب تعریفی که یکی از مأمورین دفتر مرکزی طرح و بودجه برایم کردند بدو دسته تقسیم شده‌اند:

۱- مؤسسات بازرگانی دولت که باید با اصول بازرگانی اداره شوند و برای دولت سود آور باشند توجه میفرمائید که مؤسسات بازرگانی بر اساس قانون تجارت اداره خواهند شد وظیفه دارند که سود بدهند

۲- سازمانهای انتفاعی که با برنامه و اعتبارات خاصی مأمور تقدیم خدماتی بمردم کشور میشوند و ممکنست

پس از اجرای برنامه سودی هم داشته باشند ولی اگر ضرر هم کردند مهم نیست اصل بانجام رسیدن برنامه است این تفاوت مؤسسه مالی با انتفاعی است از نظر مقامات دولتی نه عقیده بنده و حزب ما. بنده برای معرفی حاصل فعالیت مؤسسات بازرگانی وابسته بدولت با صرف مختصری وقت صورتی از سرمایه برداشت شده و در آمد یکساله و هزینه یکساله و سود ویژه یکساله و نسبت هزینه بدرآمد و نسبت سود ویژه سرمایه از روی آخرین ترازنامه‌های این مؤسسات تهیه کرده‌ام که نکات جالب آنرا بعرض میرسانم:

حداقل هزینه سالیانه نسبت بدرآمد قطعی سالیانه ۴۴٪ و مربوط بیانك مرکزی ایران است حداکثر هزینه سالیانه نسبت بدرآمد قطعی ۱۳۳٪ و مربوط بشركت واحد اتوبوس رانی است و ملاحظه میفرمائید که ۳۳٪ رقیق را که هزینه شركت واحد از صد تجاوز کرده معادل زبانی بمبلغ ۴۹۴ میلیون ریال در سال بوده که بقول تجار از سرمایه خورده‌اند البته باید عرض کنم این مؤسسات هر سال و طبق قانون تجارت حداکثر تا آخر اردیبهشت باید ترازنامه را بدهند مطابق عملکرد سالیانه این رقم مستخرج از ترازنامه قطعی منتهی باسند ۴۹۶ شركت واحد میباشد و در بودجه سالهای ۴۷ و ۴۸ نیز مبالغی نزدیک به پنجاه میلیون تومان ضرر پیش بینی کرده‌اند باز در این حد بل ۵۰ میلیون تومان پیش بینی ضرر در سال ۴۸ کرده که باید از طریق عمومی بپردازند یعنی من و شما باید بپردازیم باید در نظر داشته باشیم که بخش خصوصی در حال حاضر نیز حمل و نقل مسافری را بوسیله اتوبوس بین شهرهای کشور عهده‌دار است و از منافع هر اتوبوس خانواده‌ای اعاشه میکنند و فرزندان خود را بدیستان و دانشگاه میفرستند و مسافری هم تحمیلات زیاد نمیکند و تضییقات و صف انتظار هم جلواتوبوسهای بیابانی وجود ندارد

بین نسبت ۴۴٪ هزینه از کل درآمد و ۱۳۳٪ هزینه نسبت بدرآمد ارقام ۹۷٪ مربوط بشركت فروشگاه فردوسی و ۹۸٪ مربوط بشركت تلفن وجود دارد برای استحضار نمایندگان محترم باید عرض شود که از ۹۸۴ میلیون ریال هزینه قطعی شده شركت تلفن بمبلغ ۴۷۲ میلیون ریال حقوق و مزایای کارمندان آن مؤسسه فقط

۲۰ میلیون ریال دستمزد و مزایای کارگران بوده یعنی در کاری که مانند کارشركت تلفن طبیعت آن فنی و کارگری است تقریباً دو برابر و نیم دستمزد کارگران بکارمند دفتر پرداخت گردیده و شاید یکی از علل نامرتبی دستگاههای شركت تلفن همین عدم تناسب بین حقوق کارمندان دفتر و کارگران فنی باشد (فرهادپور - بیشتر جنس لطیف است) پس از این دو مؤسسه شركت سهامی فرش ایران است که ۹۱٪ در آمد قطعی سالیانه‌اش راهزبنه کرده است علت بوجود آمدن شركتهای بازرگانی دولتی این بود که قبل از جنگ جهانی دوم دولت‌های ایران تصمیم گرفتند مردم ایران را بروش تجارت دسته جمعی و تمرکز سرمایه‌های پراکنده در يك شركت که در ایران سابقه نداشت آشنا کنند ابتدا چند شركت سهامی دولتی که نمایندگان سهام دولت در مجامع عمومی آن وزیران بودند تأسیس کردند و در اساسنامه این شركتها هدفی هم نفع کشور قرار دادند. شركت فرش از جمله این شركتهاست بالا بردن کیفیت فرش ایران و جلوگیری از اجحاف بعضی تولیدکنندگان بمنظور تعدیل قیمت و حمایت محصول کشور در بازارهای بین‌المللی از رقابت دیگران برنامه و هدف این شركت بود توجه بفرمائید که فرش ما بطوری که آقای دکتر بهرام زاده ابراهیمی میفرمودند ۳۲ درصد صادرات مملکت ماست و در بازار بین‌المللی هم رقیب زیاد داریم شركت را تأسیس کردند برای اینکه فرش ارزان و خوب تمام شود تا بتواند در بازارهای جهان رقابت کنند ولی بهل انگاری بعضی از مدیران شركت در مورد استخدام‌های بیهوده و خرجهای بی‌سبب باعث گردید که محصول فرش این شركت در حدود ۲۴٪ تا ۴۰٪ گرانتر از محصولات مشابه بخش خصوصی عرضه شود البته این عرایضی که میکنم هر وقت آقایان میل داشتند ارقام را عرض میکنم خود بنده چه در وزارت دارائی که مسئول رسیدگی بودم تحقیق کردم چه حالاکه بودجه در دست ما است و شب و روز گوشش کردم که ارقام بی‌ماخذ و پایه بعرض آقایان برسانم حالا بنده يك صورت جزئی بمآقایان ارائه میدهم فکر میکنم جالب باشد

شرکت سهامی فرش ایران سرمایه اش ۱۴ میلیون تومان است که اکثر سرمایه های اسمی شرکتها می باشد در نظر از نامه ها صورت نقدی نیست و قسمتهای آن صورت مشکوک الوصول است. ختم آن فائده و غیره در آمده بهر حال بهترین مؤسسات تسلیم تر بن نوع این است مؤسسات نازار گانی دولتی نامی هستند که ۵۰٪ سرمایه اسمی نقدی واقعا موجود باشد و در کار باشد اگر سرمایه را ۱۲ میلیون تومان فرض کنیم این از بهترین نوع شرکتهاست که شش میلیون تومان هم در جریان کار دارد و بعد استفاده قطعی این شرکت در سال ۴۶ که از رویش مالیات داده و دولت امضاء کرده بیست میلیون تومان بوده از سرمایه دوازده میلیون تومانی بیست میلیون تومان سوو ناخالص داشته البته از بنده خواهد پرسید مردم چگونه جنس به این گرانی را میخرند؟ سزای گران فروش نخریدن است جواب این ایراد خیلی ساده است بدین تویه خور فرش قسطی میگیرد و حق ندارد راجع بگرانی بازرانی کالا صحبتی نکند. در خرید مؤسسه دولتی هم از يك مؤسسه دولتی دیگر موضوع چانه زدن و نرخ معتدل پیدا کردن مطرح نیست. کالائی هم که در بازار تجارت خارجی عرضه میشود زبان ندارد که بگوید این گرانی در قبال کالای رقابتی سرمان میزند. با توجه به اینکه بیست میلیون تومان از دوازده میلیون تومان سرمایه بدست آمده یعنی ۱۶۰٪ در برابر صد منفعت برده اند و از این منفعت بی تناسب هم ۱۸ میلیون و هشتصد هزار تومان هم خرج کرده اند و نسبت سود ویژه سرمایه ۱۵٪ بوده البته این منفعت کلان بعد از وضع آن مخارج سخاوتمندانه خوب است قابل تشویق است شرکت فرش هم بازرگانی و وظیفه اش اینست که منفعت مخون ببرد دولتی تصدیق میفرمائید که هدف از تاسیس این شرکت این بود که مدال کارسالم باشد فرش ارزان تمام کند کارگر فرش باقی را مورد توجه قرار دهد تا فرش ما را در خارج خوب بخرند و در داخل هم کارگران فرش باقی نمونه رفاه و آسایش باشند نه اینکه بیس از سالیان دراز فعالیت این شرکت بازرسی شاهنشاهی بیاید بعضی شاهنشاه آریامهر برساند که وضع قالیبافان خوب نیست و ما ناچار باشیم از محل درآمد عمومی اینها را حمایت بکنیم قبل از جنگ جهانی دوم که این شرکت تاسیس شد و اساسنامه اش را هم نتوانید میفهمید که چقدر بهدقت رسیده الان

بنده میتوانم بجرات عرض کنم که مدال کارانفروشی فرش در بخش خصوصی همین شرکت محترم است والا قیمت فرش اینقدر گران نبود بنده آدم منصفی هستم و عرض ورزی نمیکنم فرش شرکت خوب است بقول خودشان چشم قضاخانه ای نمیخرند چشم مرده نمیخرند چشم زنده میخرند از بهترین رنگی که از آلمان تهیه میکنند استفاده میشود و فرشهای شرکت کاملاً مرغوب و قابل اعتماد است ولی در آماری که چند سال قبل ما گرفتیم تا حدود ۵۰ درصد گرانتر از حد معمول تمام میشود (یکی از نمایندگان - علش هزینه اداری است) (بخواهد یوز - اعضای شرکت فرشها را ارزیابی میکنند آنها که میاززد بر میدارند و آنها که ارزش ندارد برای مردم میگذارند) این شرکت سرمایه گران فروشی برای تجارت میگردد و نتیجه معکوس از اقداماتش گرفته می شود سالها تجربه نشان داده است که دولت بازرگان خوبی نیست این ارقام که از سرمایه و درصد درآمد مؤسسات بازرگانی دولتی بعرض میرسانم میتوانند گواهی ادعای بنده باشند قبل از بعرض رساندن ارقام باید بگویم که بانکها سپرده ثابت اشخاص حقوقی و حقیقی تا ۷٪ بهره رسالتیانه میدهند یعنی اگر دولتی پولی داشته باشد که از آن بخواهد استفاده کند میتواند بانکها بدهد و ۷٪ بهره بگیرد و این يك حد اقلی است البته قانون بانکداری میگوید در بازار تخانه ها حق ندارند غیر از بانک مرکزی پولشان را در جایی دیگر بگذارند و بانک مرکزی هم سپرده دولتی بهره نمیدهد ولی اگر فرض بر این باشد که دولت خیال سوداگری داشته باشد و بخواهد از سرمایه اش استفاده کند آسانترین کاری این است که پولش را بگذارد در بانک سال بهره اش را بگیرد و هر مؤسسه بازرگانی دولتی که سود سالانه اش از ۷٪ کمتر باشد این مؤسسه بازرگانی را باید واقعا درش موا به بندند این بنفع طرف است و بنده گفتم که راجعه به يك مؤسسه انتفاعی صحبت نمیکنم زیرا بنابه تعریف مقامات دولتی مؤسسه انتفاعی اگر ضرر هم داشت اشکالی ندارد بنده فقط راجع به مؤسسات بازرگانی عرض میکنم که وظیفه اش تجارت نمونه و رسانیدن سود بدولت است اگر مؤسسه ای پیدا شود از ۷٪ سودی که سپرده ثابت بازمیدهد کمتر بدهد این مؤسسه بنظر بنده اگر

من قدرتی داشتم فوری درش را می بستم اجازه بفرمائید که بنده تمام صورت را بخوانم ناراحت میشوید ولی ای اطلاع بد نیست که بدانید که با سرمایه شما بطور رفتار میشود اگر میل داشتید ادامه بدهیم ردیفش بقول دفتر طرح بودجه بنده از این اصطلاحات استفاده نمیکنم در کودنیک بودجه ما ردیف ۳۰۴ است اولین مؤسسه بازرگانی البته شرکت سهامی کود شیمیائی بود که باورفتن از دفتر بنده فتنه بود با اینکه اسمش فراموش شده بود که برده شود سرمایه پرداخت شده بوسیله بنگاه توسعه ماشینهای کشاورزی ۱۴۹ میلیون تومان است درآمد قطعی سالانه ۶۸،۴۶۶ میلیون تومان هزینه قطعی نسبت باین درآمد قطعی ۶۴ میلیون تومان بوده که البته درآمد ناخالص است یعنی ۹۳٪ از این درآمد را هزینه اداری کرده اند به هزینه های اداری و جاری توجه بفرمائید ۱۴۹ میلیون تومان شده ۶۸ میلیون تومان هزینه سودزاهم از ماشین کشاورزی کرده اند ساده است البته به تراز نامه اش مراجعه بفرمائید که آورد آنوقت نسبت درآمد سرمایه ۱/۳ است یعنی نصف آنچه که بانکها سپرده ثابت میدهند حکایتی بیامد که اجازه بفرمائید نقل کنم در زمان کریمخان زند کبیر الیرایا آن پادشاه محبوب يك بازرگانی آوردند پرسید که این بازرگانی چه شغل چیست؟ بعرضش رساندند که يك كلك در روز شکار میکند فرمود خورا کس چیست؟ گفتند هر روز يك كلك میخورد فرمود این حیوان را رها کنید برود روزی یکی شکار بکند و یکی هم بخورد دیگر چه میخواهید (آفرین) حالا این مؤسساتیکه هر چه صنعت میکنند خودشان میخورند من نمیدانم از مردمی که چه میخواهند بگذارید بروند دنبال کار خودشان (حسنت) عرض کنم که شرکت سهامی تلفن سرمایه ثبت شد جناب مرتضوی حالا زحمت نکشید کسی از بنده در حساب تخصص دارم بروند تحقیق کنند و مستند اثباتهاست بنده را تصحیح کنند و خیلی هم ممنون جنابمالی با این فرصت کوتاه نخواهید توانست پیدا کنید بعداً بفرمائید تاروشن شود شرکت

سهامی تلفن ایران سرمایه ۴۰ میلیون تومان که این سرمایه پرداخت شده در نظر از نامه است درآمد قطعی بکشد ۹۸٪ درآمد ناخالص قطعی درآمد دو برابر و نیم سرمایه یعنی يك تاجر اگر مثلاً ۵۰۰ تومان سرمایه داشته باشد برود ۲۰۰۰ تومان هم از این طرف و آن طرف فراهم کند خمس نسیه بخرد و سرمایه اش حساب میشود بشکار البته خطرناک است چون ممکن است این نسیه ها منفعتی بدهد و ممکن هم هست ضرر بدهد ۵۰۰۰ تومانش هم از بین برود البته این مؤسساتیکه تحت حمایت دولت سالها کار کرده اند هرگز ضرر نمیکنند برای اینکه عدم لیاقت و بی بصیرتی اینها را قدرت دولت خیران میکند (احسنت) و اینها از قدرت مالی دولت سو استفاده میکنند برمی پوشانند عدم بصیرت و عدم لیاقت در کار تجارت. والله اگر این آقایان را شما بول کنید بروند در بازار تجارت بکنند بشما قول میدهم که دو ماه نتوانند تجارت کنند سرمایه شرکت تلفن ۴۰ میلیون تومان و درآمد قطعی صد میلیون تومان و هزینه قطعی ۹۸ میلیون تومان و نسبت هزینه بدرآمد ۹۸ درصد و سود ویژه يك میلیون و ۸۰۰ هزار تومان و نسبت سود به سرمایه ۴/۷ درصد ملاحظه کنید اگر در برابر این هزینه های سنگین خدماتی بدولت و ملت کرده و میکنند جای ایشان روی چشمه سان ولی اگر فقط هزینه اداری بوده بنده حق ندارم بنده انتقاد کنم با انصاف قبول بفرمائید که تذکر بدهم که اینقدر و لخر خرج میکنند بنده چیز بدی نمیگویم که کسی ناراحت شود بنده فقط عرض میکنم که خدمت را با قیمت ارزا تر انجام بدهید يك قدری استخدام کمتری بکنید بگذردی ملاحظات خصوصی را کنار بگذارید، استخدام نکنند توی همین مؤسسات جحش بکنید و صورت بگیرد که چندقوم و خویش رئیس مؤسسه وجود دارد، این دلیل سوء اداره است یکی از دوستان اقلیت ضمن صحبتهای اطراف بودجه ۴۸ خود فرمودند که استخدام فرمؤسسات دولتی خیلی با هرج و مرج توأم است یکی از آقایان اکثریت جواب فرمودند که آنها هم قانون استخدام دارند در قانون استخدام مصوب ۴۵ این مؤسسات را مکلف کرده اند که آئین نامه استخدامیشان را

از تاریخ تصویب قانون حداکثر تا مدت یک سال
 مدت بدهند خواهش میکنم ضرورت
 مؤسسه ای که آئین نامه استخدامی شان را
 بدولت دادند به بنده مرحمت بکنید تا چشم ببیند
 چند مؤسسه از کانی این تکلیف قانونی را انجام داده اند
 بعضی از رؤسای مؤسسات مالی طوری در این دستگاهها که
 با سرمایه عمومی اداره میشود رفتار میکنند که هیچ حاجی
 بازاری در چیزی شخصی خود این کار را نمیکند یعنی
 با سرمایه و اموال عمومی همه چیز برای هر کس که با آنها
 بستگی و دوستی داشته باشد فراهم میکنند من اینها را
 با رقم و عدد ثابت میکنم این عریضی را که میکنم نه
 بعنوان فقط انتقاد است بلکه خدا را شاهد میگیرم فقط
 برای دلسوزی برای اموال عمومی است و خواهش میکنم
 آقایان دولتی ها و اکثریت توجه کنند (احسن) کافی است
 با بازهم ادامه بدهم؟ (چند نفر از نمایندگان کان - فرمائید
 فرمائید) شرکت واحد اتوبوسرانی باسی میلیون تومان
 سرمایه در سال ۲۶ مبلغ ۱۴۵۵۳۷۴۰۰۰ ریال درآمد قطعی
 ناوبری داشته است و مبلغ ۱۹۴۹۴۹۴۰۰۰ ریال هزینه کرده
 تفاضل این دو رقم مبلغ ۴۹۴۱۲۰۰۰۰ ریال بوده و این
 همان تجارت ناسالمی است که بعضی رساندم یعنی اگر
 کسی صد تومان سرمایه داشته باشد و هزار تومان قرض
 کند و به همین دلیل ضرر مندرج در ترازنامه شیرکت در سال
 ۱۳۴۶ مبلغ چهار پانزده میلیون و چهار صد هزار تومان یعنی
 نوزده میلیون و چهار صد هزار تومان بیش از سرمایه پرداخت
 شده در یکسال ضرر کرده است و ضامن ضرر هم همانطور که قبلا
 عرض کردم امکانات دولت خواهد بود و الا اگر منتهی خصوصی
 بود آن قبل اغلان و رشکستکی آن منتشر گردیده بود بنده
 نمیدانم چه ضرری است که اتوبوسرانی را از دست مردم بگیرند
 و خودتان انجام بدهید آنهم با بصورت شما میداند که هر کس
 یک اتوبوس دارد در راههایی که دور هم هست و آنسفال هم
 نداشته باشد و راه خوب نباشد میرسد این اتوبوس را
 استفاده میکنند و پس انداز میکنند بجهت را مدرسه
 میگردد ولی ما با اموال عمومی باید هم میلیون تومان
 در سال ضرر فقط اتوبوسرانی تهران را بدهیم آنهم اگر مردم
 رضی بودند باز حرفی نداشتیم اگر بیلط اتوبوس یک ایران
 بود کسی هم معطل نمیشد بقول جناب عالی ما حاضریم
 مالیات بدهیم که این ضرر داده شود و مردم راحت باشند

ولی مسئله اینست که مردم راحت نیستند و هیچ فکری
 هم نمیشود برای این کار بنده پیشنهاد دارم برای
 اتوبوسرانی که بعد تقدیم خواهم کرد البته این ارقام خسته
 کننده و تأثیر آور و ناراحت کننده است (ناطق کاغذی زا به
 مجلس نشان دادند) ملاحظه فرمائید که این ارقام خیلی
 زیاد است و آنها که با خط قرمز است همه اش زبان است
 (بکنفر از نمایندگان - ما چیزی نمی بینیم) طولش را که
 احسان میفرمائید (چند نفر باز نمایندگان - ارقام را
 بخوانید) خسته میشوید اجازه فرمائید بخوانم همینقدر
 کافی است
نایب رئیس - آقای مدرس خودتان تصمیم بگیرید
 که بخوانید یا نخوانید
مدرس - باین ترتیب ملاحظه فرمائید
 که اکثر اتوبوسرانی - خرازی - فروشی
 تجارت فرش - لبنیات و فروشی را بخش خصوصی واگذار
 کنید نه تنها کسی بشما ابراری نخواهد گرفت بلکه
 مورد تشویق هم واقع خواهید شد زیرا بنا این ترتیب
 گروههای زیادی این اجتماع را با انجام کارهای مربوط
 بخودشان دعوت میفرمائید و این گروهها در برابر مردم
 کشور احساس مسئولیت خواهند کرد و خود را در نفع و
 ضرر کشورشان شریک خواهند دانست اکثر شرکتهای
 سهامی دولتی هم مقرر بوده است پس از آنکه بجزبان
 افتاد مردم واگذار شود و اگر اینکار را بکنید هر سال
 ناچار نخواهید بود مبلغ بیقابلیتی مثل ۱۴ میلیارد ریال
 امسال برای اضافه هزینه اینگونه مؤسسات تصویب کنید
 ولی با اینهمه بسا بگویم در میان شرکتهای بازرگانی
 دولتی موسساتی مانند شرکت ملی نفت ایران - بعضی از
 بانکهای دولتی و شرکت سهامی بیمه ایران با مدیریت
 ضعیف اداره میشوند و در تمام ادوار برای مردم ایران
 منشا خسارت و فواید نهمی بوده اند و خودشان مولود تا بید
 و نقد بر است اما سازمانهای انتفاعی وابسته بدولت یکی
 از دوستان اقلیت بنده که متأسفانه هم مسلک هم نیستیم
 ضمن سخن خود فرمودند سازمان انتفاعی برای سازمانیکه
 نفع داشته باشد بنده جواب ایشان را عرض میکنم چون
 طبق تعریف دفتر بودجه سازمان انتفاعی اگر ضرر هم

داشت ما این ندارد فقط سازمان باید برنامه اش را انجام
 دهد این تعریف را وقتی با عمل بعضی از این سازمانها
 تطبیق میکنیم کاملا متوجه میشویم که بهر حال شهرت
 نفع خدمت دهنده و سازمانها برای دولت با برای
 مردم انتفاعی است و اگر برای هیچک از این نفعی
 نداشته باشد حداقل برای مدیران و کارمندانش بیفایده
 خواهد بود (صحیح است) و باین ترتیب ملاحظه میفرمائید
 که برای کما انتفاعی جای نگرانی نیست و بهر حال مصداق
 آن حفظ میشود - برای نمونه بررسی بودجه و برنامه
 سازمان آب و برق منطقه ای تهران را که حوزه عملیات
 آن بیش نظرا اکثر نمایندگان محترم است شروع میکنیم
 لا بدحساب آقای وزیر آب و برق با معاون محترم نشان تشریف
 در بند معاونت وزارت آب و برق در جلسه بودند) ابتدا برای پیدا
 کردن بانهای برای مقایسه هزینه ها و درآمدها و توجه
 هزینه ها چندمطلب از بودجه سال ۴۷ سازمان آب منطقه ای تهران
 نقل میشود (اشاره به معاون وزارت آب و برق شماره
 که سازمان آب و برق منطقه ای تهران ۲۲۵ است با
 اطلاع ندانید (مهندس ارفع - تطبیق آن را تنظیم کرده اند؟)
 نظرم را بنده تنظیم کرده ام ولی کتابهای بودجه را آقایان
 نایب کرده و داده اند دست بنده و سایر نمایندگان از یکی از
 نمایندگان در مورد صفحات وردیف کتاب راهنمایی خواستیم
 ماده ۴ از وظایف و برنامه های سازمان آب منطقه ای تهران
 شامل این برنامه هاست: تنظیم آب توای مصرف
 آبی، کمک به نیروی برق تهران، جلوگیری از خسارت
~~چهار~~ چه فرمائید این مال سال ۴۷ است یعنی سال سیل
 فریب که جناب فرهادیور اینقدر برایش تهیه یاره کرده اند
 وظیفه این سازمان بوده که جلوگیری کند پرورش ماهی و
 تأمین وسائل تغذیه مردم تهران در دریاچه سد امیر کبیر
 خانه جهانیشانی اینها فرمودند موقعیکه بودجه برنامه ای در
 فریبسیون تنظیم می نمود نظریات خودشان را داده اند و
 حالا بنده میکنند در برنامه سال ۴۸ سازمان آب و برق
 منطقه ای تهران اثری از بندهای جلوگیری از خسارت
 سیل - پرورش ماهی - تأمین وسائل تغذیه مردم پایتخت
 دیده نمیشود ولی اضافه تولید سیصد هزار متر مکعب آب
 تصفیه شده برای مردم کرج و تأمین دوازده میلیون متر

مکعب آب خام برای واحدهای صنعتی و موازِع و دهات
 اطراف و اضافه تولید چند قلم ماده شیمیائی برای تصفیه
 آب دیده میشود
نایب رئیس - آقای مدرس بقیه مطالب شما چه
 دیگر طول میکشد؟
مدرس - نیم ساعت (نمایندگان - بعد از ظهر ادامه
 بدهند) بنده خودم را و طلب بیش از نیم ساعت نیستم چون
 عرضم متکی بقدر وقت است
نایب رئیس - نمایندگان محترم موافقت فرمائید
 که ایشان مطالبشان را بیان فرمائند
مدرس - مخارج ادارای سازمان آب منطقه ای در سال ۴۷
 در حدود سی و دو میلیون تومان بوده و در بودجه سال ۴۸ قریب ۳
 میلیون و هشتصد هزار تومان بیش بینی شده یعنی ۱۵ در
 صد بر مخارج اداری افزوده شده است - بنده باین نکته
 اعتراف دارم که جمع و تفریق اعداد و بدست آوردن اعداد
 جدید و قضاوت کردن روی آن بدون توجه به واقعیات
 و مقتضیات کار آسان است و مدیران سازمانها که باین
 سلسله مشکلات لا محجل و بعضی ملاحظات رو برو هستند
 نمیتوانند بشهوئی که روی کاغذ عمل میشود کارها را اجرا
 کنند، کارمند اضافه میخواهد، ترفیع میخواهد و کاری ندارد
 که برنامه ای اجرا شده باشد است ولی نکات قابل توجهی هم وجود
 دارد که میتواند ملاک عدم مدیریت صحیح و سهل انگاری در
 انجام وظیفه باشد که بترتیب عرض نمایندگان محترم
 میرسد مقصود از ذکر جلوگیری از خسارت سیل در
 برنامه سال ۴۷ سازمان چه بوده است؟ آیا فقط خواستند
 انشاء فارسی بنویسند با واقعا برنامه ای داشته اند آیا این
 برنامه قبلا در فرا کسیون محترم جزیب ایران نوبین مطرح
 گردیده و جزئیات طرح و به طرق اجرائی آنرا عرض
 نمایندگان محترم حزب اکثریت رسانیده بودند؟ بنده
 یقین دارم که همه در وقتین این برنامه با آقایان مشورت
 شده و نه در حذف آن از برنامه سال ۴۸ سازمان آب آیا
 منظور آزد کر این جمله این بوده است که سازمان آب
 منطقه ای تهران و سایر سازمانهای مشابه مسیر آبهای
 سیلابی را بررسی و برای انحراف سیلاب از مراکز مسکونی
 و زراعی بطرف زمینهای بایر برنامه ای تنظیم و عملی کنند

آیا صحیح است که هر سال قسمتی از کشتزارها و شهرهای آباد ماطعمه سیل و باطقیان رودخانه شوند و آبهای فصلی مانند اعصار ماقبل تاریخ وحشی و سرکش حتی وارد پایتخت کردند آیا امکان اینکه این آبها قبل از اینکه بشهرها و مزارع وارد شوند از مسیر طبیعی منحرف شده و بطرف مناطق پابرسراز بر شوند وجود دارد و اگر هست وظیفه کدام دستگاه میباشد؟ یکی از دوستان عزیز که اتفاقاً از اکثریت هم هستند و اهل خراسانند با هم همکاری میفرمایند فصلی است که مقاطعه کاران بیکارند و میشود بولدوزرها را برد جلوی این سیلها سدخاکی یا سیل برگردان ایجاد کرد که آبهای مارانبرد و در عین حال مایه‌ای بشود برای فنوآت مردم و تمام مردم آن صفحات که مردمی فقیر و زلزله زده هستند دعا گو خواهند بود اجازه بدهید اسم آن نماینده محترم را بنرم از افراد خود شما است (قره‌هادیور) اول باید پول مطالعهمی دهند بعد این کار را بکنند) ملاحظه فرمائید این برنامه سال ۴۷ بود بنده با اینکه عادت بشعر خواندن ندارم این شعر حافظ را که در اینجا کاملاً مصداق دارد میخوانم، قدر وقت ارزشناست دل و کاری نکنند، بس خجالت که از این حاصل اوقات بریم متأسفانه می‌بینیم که در سال ۱۳۴۷ بودجه‌ای بمبلغ

۱۹۴۶۵۵۶۰۰۰ ریال برای سازمان آب منطقه‌ای تهران و اجرای برنامه‌های آن تصویب شده و آثاریکه از اجرای این برنامه دیدیم خسارات مهیب سیل پائین در دشت قزوین و جریان آبهای سیلابی در روزهای اخیر در خیابانهای پایتخت بود سال ۴۷ پول دادیم وقت دادیم همه چیز در اختیارشان گذاشتیم نتیجه اش آبهای بود که در خیابانهای پایتخت کشور شاهنشاهی راه افتاد و شاید بعلت این شرمساری از برنامه سال ۴۸ حذف کردند راجع به پرورش ماهی (مهندس ناصر بهبودی - برای که صحبت میفرمائید؟ کسی دیگر در مجلس نماینده فقط رفقای حزبی شما هستند) (زنک رئیس) بنده عرض را میکنم حق را یقین دارم هر جا گفته شود مؤثر است

۳ - تعیین موقع جلسه آینده - ختم جلسه

نایب رئیس آقای مدرسی از بیانات جنابعالی خیلی مانده است؟

مدرسی - یکساعت دیگر وقت لازم است.

نایب رئیس - با اجازه خانه‌ها و آقایان جلسه امروز صبح را ختم میکنیم جلسه آینده ساعت چهار بعد از ظهر امروز خواهد بود.

(یکساعت و ده دقیقه بعد از ظهر جلسه ختم شد)

نایب رئیس مجلس شورای ملی - دکتر حسین خطیبی